

تفکر دولتی بزرگ‌ترین مانع خصوصی‌سازی است



روزنامه‌های قضایی
۲۴ اسفند ۱۴۰۲ • ۲۲ شعبان ۱۴۴۴ • 15 March 2023
۸ صفحه • ۵ هزار تومان • دوره اول • سال اول • شماره هفتاد و نه
www.asrghanoon.ir

کیانیان و زیباکلام در مسیر دادسرا

سرشاخ قوه قضاییه با سلبریتی‌ها



فرهنگ حاکمان باید
تمدنی شود

«فروپاشی» آخرین راه
برای رژیم صهیونیستی

جامعه‌نمی‌خواهد
بی‌دین باشد

پروپاگاندای آمریکایی در برابر
هژمونی ایرانی

میزی که ایران چید
منهای آمریکا

گفتار ۷ یادداشت ۲ میزگرد ۳ یادداشت ۳ گفت‌وگو ۲ یادداشت ۲

خون شهدا سرمایه و پشتوانه‌ای برای کشور در مقابل توطئه‌ها و دشمنی‌ها



آیت‌الله رئیسی در مراسم گرامیداشت روز شهید:
امنیت، وحدت، انسجام، عظمت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران حاصل خون مطهر شهیدان است.
شهدا نه با حرف، بلکه با عمل به ما آموختند که می‌توانیم با اتکا به خدا بر مشکلات فائق شویم.
وصیت‌نامه شهدا منبع الهام‌بخشی برای اقدام و عمل همه مسئولین و دستگاه‌ها و نهادهای نظام است.
خون مطهر شهدا را سرمایه و پشتوانه عظیمی برای کشور در مقابل توطئه‌ها و دشمنی‌هاست. امروز که
دشمنان با ابزارهای مختلف می‌خواهند افکار و رفتار جاهلیت مدرن را بر جوامع حاکم کنند، این خون
مطهر شهداست که از جامعه ما چهل‌زدایی می‌کند.

کیانیان و زیباکلام در مسیر دادسرا

روز گذشته ستایشی، سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سوالی درباره اعلام جرم درباره رضا کیانیان و
صادق زیباکلام گفت: در ارتباط با افرادی که نام برده شد، نسبت به آقای کیانیان باید بگویم، مع‌الاسف
که مشاهده می‌کنیم برخی از افراد نشر اکاذیب می‌کنند و بارها هم عنوان می‌کنیم افراد رعایت کنند،
پرونده ایشان در مرحله تحقیقات مقدماتی در شعبه دادسرای عمومی تهران در حال رسیدگی است و
اتهام ایشان نشر اکاذیب است.

ستایشی در ادامه سخنان خود در مورد زیباکلام، یکی دیگر از افرادی که به سخنان خارج از قاعده و
بی‌اساس مشهور است گفت: در خصوص آقای زیبا کلام باید بگویم قرار جلب به دادرسی صادر و پرونده
به دادگاه کیفری ۲ ارسال شده است. اتهام این افراد تشویش افکار عمومی و فعالیت تبلیغی علیه نظام
است که قرار منع تعقیب صادر شده است.

در همین راستا یادآوری می‌کنم یکی از خصوصیات افراد چهره اظهارنظر در موارد مختلف برای زنده
ماندن در رسانه‌ها و فضای مجازی است، اما برخوردهای دوگانه آنها در مواقع مختلف از چشم مردم و
جامعه پوشیده نبوده و نیست. به‌طور مثال این افراد هیچ وقت در چهارشنبه سوری به یاد گرسنگان و
محرومان جامعه نمی‌افتند و شما شاهد استوری‌هایی در مورد خرج پول مواد محترقه برای محرومان
جامعه نیستید یا در مورد سفر قشری از جامعه به ترکیه، ارمنستان، گرجستان و ... در شب عید
کوچکترین پیمای از سلبریتی‌ها شنیده نمی‌شود؛ اما همین افراد به اربعین یا دهه محرم که می‌رسند،
برای خرج سفر به کربلا و ندی هیات‌ها، با استوری‌های متعدد و متفاوت به اعتقادات مردم حمله
می‌کنند.

تشکیل قرارگاه اقتصادی



بهداری جهرمی سخنگوی دولت:

سیاست های مختلفی بانک مرکزی اتخاذ شد و قرارگاهی برای مقابله با این جنگ ترکیبی
در حوزه های مختلف شکل گرفت.
قرارگاهی که برای جنگ اقتصادی شکل گرفت متولی آن بانک مرکزی بود و تحت
نظارت معاون اول بود اختیارات لازم در جلسات و نهادهای مختلف به بانک مرکزی اعطا
شد و با راه اندازی بازار متشکل نرخ سازی از دلال ها گرفته شد و برخی اقدامات امنیتی و
قضایی صورت گرفت.

حضور رئیس سازمان بهزیستی در اجلاس جهانی حقوق بشر



رئیس سازمان بهزیستی در پنجاه و دومین اجلاس جهانی حقوق بشر در مقر اروپایی
سازمان ملل در ژنو شرکت کرد.
در این نشست، رئیس سازمان بهزیستی کشور در کمیته حمایت از حقوق افراد دارای
معلولیت، شمول سازی اجتماعی این افراد در جامعه و نقش پذیری آنان در توسعه جوامع
شرکت و بیانیه سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی ایران را قرائت کرد.

بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور در شورای نگهبان به پایان رسید



هادی طحان نظیف سخنگوی شورای
نگهبان در توییت نوشت:
پس از ۱۶ جلسه فشرده و پیاپی،
بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲
کل کشور در شورای نگهبان به پایان
رسید و ابهامات و ایرادات شورا در
خصوص این لایحه به مجلس ارسال
خواهد شد.

رزمایش نوروزی ۱۴۰۲ پلیس راهور



رزمایش نوروزی ۱۴۰۲ پلیس
راهور صبح روز سه شنبه ۲۳
اسفند ماه ۱۴۰۱ با حضور سردار
احمد رضا رادان فرماندهی کل
فراجا و سردار سید کمال هادیان
فر رئیس پلیس راهور فراجا در
دانشگاه انتظامی امین برگزار شد.

ترامپ: رکود اقتصادی بزرگی در انتظار آمریکاست



به نقل از رویترز، رئیس جمهور سابق آمریکا پیش بینی کرد که این کشور در آستانه تجربه یک رکود
اقتصادی دیگر است.
«دونالد ترامپ» رئیس جمهور سابق آمریکا با انتقاد از شرایط اقتصادی این کشور، اعلام کرد که «جو
بایدن» رئیس جمهور کنونی آمریکا مقصر شرایط فعلی نامساعد اقتصادی در این کشور است.
رئیس جمهور سابق آمریکا در پیامی در حساب کاربری شبکه اجتماعی خود «تراس سوشیال» نوشت:
با توجه به اتفاقی که در اقتصاد ما رخ می دهد و با طرح هایی که در مورد بزرگ‌ترین و احمقانه‌ترین
افزایش مالیات در تاریخ آمریکا ارائه می‌شود، جو بایدن «هربرت هوور» (رئیس جمهور آمریکا در سال‌های
۱۹۲۹-۱۹۳۳) در عصر مدرن خواهد بود.

میزی که ایران چیدمنهای آمریکا



محمدایمانی

۱. شش سال فاصله است، از روزگاری که رئیس‌جمهور آمریکا گفت «عربستان گاو شیرده ماست»، تا اینکه نیویورک تایمز نوشت «امریکا پشت در مذاکرات ایران، چین و عربستان ماند». ادبیات ترامپ، توهین‌آمیز بود، اما او صرفا با صدای بلند فکر می‌کرد و باطن نگرش آمریکا به دیگران در طول دهها را بیرون می‌ریخت. ترامپ گفته بود: «عربستان برای ما مانند گاوی شیرده است که هر وقت دیگر نتواند دلارا و طلا بدهد، دستور ذبح آن را صادر می‌کنیم و این واقعیتی است که همه دوستان و دشمنان آمریکا به ویژه خود مقامات سعودی از آن آگاهند. عربستان، باید سه چهارم تروئش را به آمریکا بابت حمایت‌های ما بپردازد». اما شش سال بعد، روزنامه نیویورک تایمز خبر می‌دهد آمریکا در مذاکرات ایران و عربستان با میزبانی پکن، پشت در مانده است.

۲. رفتار درست و رو به جلوی عربستان را با ادبیات برخی سیاستپون غربگرا در ایران مقایسه کنید که بلافاصله پس از انتشار خبر توافق نوشتند و گفتند ایران باید بدون فوت وقت سراغ مذاکره با آمریکا درباره برجام و FATF و اوکراین برود و گرنه توافق با دیگران بی‌فایده‌است(!) اینها همان جریان سیاسی هستند که اواخر شهریور ۱۳۹۹ در نشریه «صدا» و درباره مذاکره توهین‌آمیز ترامپ با رئیس‌جمهور عربستان نوشتند: «از نگاه منتقدان، عکسی که ترامپ از مذاکره‌کننده می‌پسندد، این است: همچون برّای در مذبغ و برده‌ای در مسلخ. آیا اقداماتی از این جنس را باید ماه‌به‌شمرساری دانست؟ فرض کنیم سیاستمدار صرب همچون متهمی در اتاق بازجویی و حتی یک برده نشسته؛ اگر منافع، چنین اقتضایی کند، باید آن را تسخیر کرد، یا عقلانیتی سیاسی خواند؟!» آنها همان روز برای رویکرد موهن دولتمردان آمریکایی جیج و هورا کشیدند و سیگنال دادند که حاضرند گاو شیرده و راهی مذبغ باشند (بماند که برخی بی‌مایگان غریزه، بارها در فضای مجازی نوشتند: «کاش گاوی بودم در مزارع سوئیس تا اینکه انسانی در ایران»، هم روز با خودم میگم کاش به گاو بودم تو مزارع اروپا،) واقعاً کارام ازین حرفا که کاش از اول در آمریکا با اروپا به دنیا میومدم گذشته، کاشی به گاو بودم تو سوئیس!».

۳. غربگراها در طول چند ماه گذشته، در حالی به دفعات گفتند «با آمریکا مذاکره کنیم»، که مقامات آمریکایی مثل بلینکن، جان کری، رابرت مالی، ند پرايس و دیگران تأکید داشتند: «احیای برجام، ماه‌هاست در دستور کار قرار ندارد»، «امریکا وارد مذاکرات غیرمستقیم با تهران نخواهد شد. امروز هیچ شاسی برای بازگشت به میز مذاکره وجود ندارد»، «موضوع احیای توافق با ایران در دستور کار کاخ سفید قرار ندارد»، «دولت آمریکا تمرکز خود را به جای مذاکرات احیای توافق هسته‌ای، بر سیاست تحریم و فشار قرار می‌دهد»، «تمرکز ما روی برجام نیست، بلکه روی اتفاقات داخل ایران متمرکزیم».

۴. سؤال تاریخ گذشته‌ای است که برسییم چرا مواضع برخی محافل در ایران، کاملاً با مواضع آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی هماهنگ است؟ سؤال درست‌تر این است که چرا هماهنگ نباشد؟ از رژیم صهیونیستی بدنام‌تر که نداریم، معاون وزیر ارشاد در دولت خاتمی و سردبیر روزنامه آفتاب امروز (رمضانپور)، در حالی سردبیری شبکه‌ضدایرانی «اینترنشنال» را پذیرفت و اعتراضی از هم طیفان نشنید که ساختار صهیونیستی شبکه آشکار بود؛ چنان که «یاراک راوید» خبرنگار صهیونیست عنوان کرد «موساد از شبکه ایران اینترنشنال، به عنوان بازوی جنگ اطلاعاتی علیه ایران استفاده می‌کند». قبلاً هم «یوسی میلمان» تحلیلگر اطلاعاتی هائرتص گفته بود: «ایران اینترنشنال، شبکه متعلق به موساد به شمار می‌رود، موساد مطالبی را که نمی‌خواهد به نام خود منتشر کند، از طریق این شبکه منتشر می‌کند»، موساد، سیا و ام آی سیکس چرا به این افراد اعتماد کردند و چرا دوستان آنها در داخل، زبان به اعتراض نگشودند؟

۵. غربگرایان ماموریت دارند قهارت شخصیت خود را به ملت ایران نسبت دهند و حال آنکه ایران، در حال دوران‌سازی و تغییر معادلات جهانی است، بر اساس گزارش دویچه وله از نشست «شورای آتلانتیک» در واشنگتن در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۹۰: «برژنسکی، برنت اسکوگراف و جیمز جونز، سه تن از مشاوران امنیت ملی در دولت‌های کارتر، فورد، بوش پدر و اوپاما گفتند جهان در نقطه عطف تاریخی از هنگام فروپاشی شوروی قرار گرفته و جنبش فراگیر در خاورمیانه نشانه این دوره است. برژنسکی گفت یکی از دلپه‌راورترین موضوعات این است که ما در مقایسه با گذشته با چالش‌های پیچیده‌تری مواجهیم». شش سال بعد، مایک پمپئو رئیس‌سازمان سیا در گفت‌وگو با MSNBC اظهار داشت: «فوق‌ایران در خاورمیانه، در مقایسه با ۷سال گذشته بسیار فراگیرتر شده و همه جای منطقه حضور دارد».

۶. غرب و شرق، نقش منحصر به فرد جمهوری اسلامی ایران در دگرگونی نظم جهانی را می‌شناسند؛ هر چند که محافل دنباله‌رو غرب، انکار نمایند و ایران را منفعل وانمود کنند. در این‌جا واقعیتی غیر قابل انکار برای ارزیابی ادعای طرفین وجود دارد. تصور کنید که ایران پس از فروپاشی شوروی، در برابر تاخت و تاز آمریکا ناتو و اسرائیل تدبیر نمی‌کرد، به مقاومت فعال کشورها سامان نمی‌داد و غرب بر منطقه چپنه می‌زد. در این صورت، چین و روسیه و هند و دیگران باید برای مراودات معمول دیپلماتیک و خرید یک بشکه نفت با صادرات یک کانتنتر از محصولات خود، از آمریکا اجازه می‌گرفتند. اما حالا همین دولت‌ها می‌توانند در جهانی متکثر، با کشورها منطقه مروده کنند. متغیر مهم، ضربه راهبردی به سطله پلانمازغ آمریکا پس از فروپاشی شوروی و اشغال افغانستان و عراق است که با محوریت ایران انجام گرفته است؛ تا جایی که حتی عربستان که در طرف تیم بازندگان (امریکا) قرار داشت، تصمیم می‌گیرد از آن موقعیت فاصله بگیرد. دگرگونی‌های اساسی در نظم وابسته به اخم و لبخند آمریکا، پس از آن اتفاق می‌افتد که سلسله جنگ‌ها در منطقه (از افغانستان و عراق و سوریه تا لبنان و فلسطین و یمن/ جنگ جهانی سوم و چهارم به تعبیر محافل آمریکایی – صهیونیستی) مغلوبه شده و ابهت بانیان آن فرو ریخته است. این مهندسی مستحکم و ضمننا منقطع، اصالتاً ایرانی است.

۷. رهبر انقلاب در بحبوحه مذاکرات هسته‌ای از تعبیر «نرمش قهرمانانه» استفاده کردند که شاید با سوء تفاهم نزد غرب و بیروانش مواجه شد. این تاکتیک البته از سوی دولت وقت به درستی فهمیده و استفاده نشد تا بتوانند منافع ملت ایران را در برجام تأمین کنند؛ اما با وجود کج کارکردی برخی اجزای آن دولت، راهبری حکیمانه رهبر انقلاب موجب عبور کشور از بحران‌افکنی دشمن و پیشبرد راهبرد کلان نظام در سطح منطقه و جهان شد. محاسبه دشمن درباره برجام، استحاله خاموش انقلاب اسلامی بود؛ چنان که جان ساورز رئیس‌وقت IMF، از آن به عنوان «ثرمالیزاسیون انقلاب» یاد کرد. اما مسیر تحولات به سمت دیگری رفت و در حالی که آمریکا و اروپا خیال می‌کردند سر ایران کلاه بزرگی گذاشته و گرفتار برجامزاسیون و ثرمالیزاسیون کرده‌اند خود گرفتار نقشه بزرگ‌تر ایران شدند. نقشه تنگ کردن حلقه محاصره ایران با اشغال افغانستان و عراق، جنگ نیابتی داعش، و نهایتاً آشوب‌افکنی همزمان در ایران و عراق و لبنان کججا؟ و انتقال کانون بحران از سوریه و عراق و افغانستان به اروپا (اوکراین) و آشوب‌زدگی رژیم صهیونیستی و برخی دولت‌های اروپایی کججا؟

۸. وسایت الجزیره اواخر تیر ۱۳۹۴ یادداشت قابل تأملی به قلم یکی از اعضای اپوزیسیون جمهوری اسلامی (حمید دهباشی) منتشر کرد که همچنان خواندنی است: «طبق تعریف توماس فریدمن، دکترین اوپاما این است که مشارکت دادن ایران بیش از انزوا قادر به برآوردن نیازهای آمریکاست. آنچه از نگاه جمهوریخواهان و نومحافظه کاران، تلاش برای به دست آوردن دل ایران تلقی می‌شود، در حقیقت نوع بسیار زیرکانه‌تری از امپریالیسم است. مثل یک شطرنج‌پاز که از ضعف‌ها و قوت‌ها، واکنش‌های عصبی و امیال پنهان همه بازیگرانش آگاه است. اوپاما به سعودی و ترکیه اجازه می‌دهد کار خودشان را در یمن با سوریه پیش ببرند. اگر توافق با ایران از نقشه‌های کنگره با مخالفان در ایران جان سالم در ببرد، گل سرسید دستاوردهای اوپاما به عنوان تجلی قدرت هوشمند خواهد شد». به تعبیر جوزف نای، این ترکیب قدرت نرم و سخت است. دکترین اوپاما اهدافی فراتر از ایران و برنامه هسته‌ایش دارد؛ اما همیشه میان نیات مؤلف یک دکترین و شیوه خوانش و شکستن ساختار آن توسط دیگران اختلاف وجود دارد. برای دکترین اوپاما هر نامی که انتخاب کنید، او و جوزف نای باید کوله‌بار خود را ببینند و به قم بروند تا بفهمند قدرت هوشمند چیست». از همان مرزهای پرنفوذی که قرار است بازارسان سازمان ملل (و در میان آنها جاسوسان اسرائیل) به ایران بروند و تأسیسات هسته‌ای را بازرسی و رصد کنند، از همان مرزها قاسم سلیمانی خیلی زودتر نفوذ کرده و اوپاما و نای را دور زده است».

۹. محافل الجزیره که این بار توافق با عربستان را بهانه کردند، نمی‌خواهند ببینند رشته تحولات از دست آمریکا در رفته و رفته و خارج از نظم مطلوب او اتفاق می‌افتد. بنابراین انبوه تحلیل‌هایی از این دست را نمی‌بینند: «رویترز: توافق تهران – ریاض، سیلی بر صورت دولت یابین بود؛» «دبیوت آخرنوت: واشنگتن، بار دیگر متحمل سیلی شد؛» «وسپاست آمریکایی وکس: توافق تهران – ریاض، نمایانگر خاورمیانه پسا آمریکایی است؛» «باربارا اسلاوین، تحلیلگر آمریکایی: این تحول، دو گروه را سرخورده می‌کند: حامیان تغییر حکومت در ایران و اسرائیل؛» «مارک دوبوویتز، رئیس‌بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها: این توافق، ضربه جدی به دولت آمریکاست؛» «میشل پل خبرنگار رادیو فرانسه در اسرائیل، براینده نگاه رسانه‌های اسرائیل به این توافق، یک خبر بد و سیلی واقعی به دولت تل‌آویو است؛» «گیوم نونژ خبرنگار رادیو فرانسه در آمریکا، واشنگتن در قبال این توافق، شگفت‌زده و منفعل است».

۱۰. ماجرا ایجاد دیگری هم دارد و آن، دناوم سلسله موفقیت‌های کشور بدون آویزان شدن از آمریکاست. این طیف اگر مروت و انصاف داشتند، باید اذعان می‌کردند که موفقیت‌های بزرگی بدون موکول کردن مسئولیت‌ها به برجام و FATF به دست آمده از جمله: «واکسیناسیون فراگیر و کاهش آمار قربانیان کرونا از ۷۰۹ نفر به زیر پنج نفر»، «رونق دیپلماسی اقتصادی و رشد ۳۱ درصدی تجارت خارجی»، «شکست تحریم‌ها و افزایش صادرات نفت به بالاترین سطح طی ۴ سال اخیر (۱.۴ میلیون بشکه در روز)»، «اهداندازی پالایشگاه‌های فرا سرزمینی»، «افزایش چشمگیر تولید گندم که موجب شد فائو، ایران را سیزدهمین تولیدکننده بزرگ گندم جهان در سال ۲۰۲۲ معرفی کند»، «بهره‌برداری از طرح ۶۰ کیلومتری انتقال آب به سندج که از بهمن ۹۹ تا امسال، ۱۵ درصد پیشرفت داشت»، «بهره‌برداری از تونل ۳۶ کیلومتری و انتقال سالانه ۳۰۰ میلیون متر مکعب آب برای احیای دریاچه ارومیه»، «بهره‌برداری از ۶ نیروگاه برق در مناطق مختلف کشور»، «اهداندازی طرح غدیر و تأمین آب ۴.۷ میلیون نفر در ۲۶ شهر و ۱۶۰۸ روستای خوزستان»، «بهره‌برداری از فاز ۱۴ پالایشگاه پارس جنوبی با ظرفیت تولید روزانه ۷۵هزار بشکه میعانات گازی، و ۵۰ هزار میلیون متر مکعب گاز شیرین و درآمد ۳ میلیارد دلاری در سال»، «رونمایی از انواع موشک‌های فوق مدرن و موشک ماهواره‌بر، و انواع پهپادهای پیشرفته»، «بهره‌برداری از خط انتقال گاز ایران‌شهر به چابهار به طول ۲۹۰ کیلومتر، با هزینه ۴۱۰ میلیون دلار»، «بهره‌برداری از راه آهن زاهدان – خاش به طول ۱۵۵ کیلومتر، به عنوان یکی از قطعات خط ریلی ۶۴۰ کیلومتری چابهار – زاهدان»، «کاهش چشمگیر کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی سال گذشته که با لحاظ تورم ۴۰ درصدی باید امسال به بالای ۷۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسید، اما زیر ۲۰۰ هزار میلیارد کنترل شد»، «تسویه ۱۱۰ هزار میلیارد تومان از بدهی‌های دولت قبل؛ و ضمناً متناسب‌سازی حقوق معلمان (و بازنشستگان و کارمندان) با بار مالی بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان». اینها ششت نمونه خروار است و نشان می‌دهد که ایران مدت‌هاست از حصار برجام و FATF خارج شده است. به تعبیر حافظ: «برو این دام بر مرغی دگر نه- که عتقا را بلند است آشیانه». و البته که این مسیر متعالی، از مسیر «مرتع و مذبغ و مسلخ» جداست.



دیپلماسی اقتدار

/ محمدکاظم انبارلویی

۱. ایران در یک سال و نیم گذشته بی‌سابقه‌ترین توسعه‌ها را در صنعت هسته‌ای ایجاد کرد. گازدهی به سانتریفیوژها را انجام داد، غنی‌سازی را تا ۶۰ درصد افزایش داد، نظارت‌ها را در محدوده پادمان قرار داد، اجرای پروتکل الحاقی را متوقف کرد و دوربین‌های برجامی را خاموش نمود. روابط با آژانس را منطقی کرد و به آنها فهماند نباید از مسیر فنی به اغراض سیاسی منحرف شود، با این حال همه پیش‌بینی می‌کردند، شورای حکام با این پیشرفت‌ها موضع سختی بگیرد اما در آخرین نشست شورای حکام از صدور قطعنامه ضدایرانی خبری نشد. مفهوم این موضع این است که زبان اقتدار با زبان التماس متفاوت است و هر کدام پاسخ خاص خود را دارد.

۲. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی پس از ۷ سال، توافق کردند. ظرف مدت دو ماه روابط دیپلماتیک خود را از سر گیرند و سفارتخانه‌های خود را بازگشایی نمایند. این توافق، فصلی نو در دیپلماسی منطقه‌ای در غرب آسیا و ضربه‌ای کاری به هژمونی آمریکا و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. این توافق که در پکن انجام شد معنای بسپاری دارد.

امریکا و رژیم صهیونیستی بسیار از این رخداد ناخشنود هستند چراکه این روابط می‌تواند ظرفیت‌های جدیدی برای روابط ایران با کشورهای منطقه و جهان اسلام پدید آورد. مقامات رژیم صهیونیستی از این توافق به عنوان یک شکست در سیاست خارجی تل‌آویو یاد کردند و آن را «باخت، باخت و باخت» برای آمریکا دانستند.

ناظران غربی از این توافق به عنوان اراده عربستان برای اتخاذ سیاست خارجی مستقل از غرب یاد کردند.

۳. موضع آژانس و عدم موضع‌گیری حکام در مورد پیشرفت‌های هسته‌ای و نیز توافق ایران و عربستان برای عادی‌سازی روابط درست زمانی روی می‌دهد که طراحان و عاملان و امران اغتشاشات پاییز گذشته با پذیرش شکست در جنگ شناختی و ادراکی جدید فهمیدند در ایران با یک حکومت پایدار، یک دولت مستقر و مقتدر روبه‌رو هستند و نمی‌توانند تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد اپوزیسیونی بگذارند که حتی نمی‌تواند زیر یک پرچم جمع شود.

۴. کسانی که در گذشته می‌گفتند بدون اذن کدخدا نمی‌شود کاری کرد رفتند برجام را امضا کردند، تحریم‌ها را نه‌تنها برنداشتند بلکه چندین برابر کردند، به رقبای خود می‌گفتند شما زبان دنیا را بلد نیستید، بدون برجام نمی‌شود حتی آب خورد! الان چه حرفی برای گفتن دارند؟ دولت رئیسی با چه زبانی معادلات منطقه و جهان را به هم ریخته است؟ این مذاکرات نشان داد آسیایی‌ها زبان هم را می‌فهمند و روابط خود را در مذاکرات کاملاً آسیایی بدون مزاحمت اروپا و آمریکا می‌توانند تنظیم کنند.

۵. توافق ایران و عربستان برای ازسرگیری روابط ۵ پیام ویژه برای دوستان و دشمنان نظام داشت: (الف) شکست توطئه‌های رژیم صهیونیستی در برهم زدن روابط ایران با اعراب؛

ب) شکست سیاست «انزواي تهران» که توسط بوق‌های صهیونیستی فریاد می‌شد؛

ج) سیاست‌های منطقه‌ای می‌تواند به دست بازیگران اصلی بدون دخالت غرب تنظیم شود؛

د) کم رنگ شدن نقش آمریکا در غرب آسیا؛

هـ) اقتدار منطقه‌ای، پیشرفت‌های نظامی و به‌طورکلی میدان را می‌شود با می‌توان با دیپلماسی جمع کرد.

۶. توافق با عربستان که به‌زعم برخی محال بود نشان داد فرصت‌سوزی دولت‌های گذشته در دولت روحانی در تنظیم روابط و همکاری با شرق چه زبانی برای دیپلماسی خارجی دارد. تعامل با شرق از موضع اقتدار می‌تواند برخی از همسایگان را سر عقل بیاورد.

۷. مقام معظم رهبری در آبان ۱۴۰۱ در دیدار با دانش‌آموزان فرمودند: «نظم کنونی جهان دارد تغییر می‌کند» بعد فرمودند: در این تغییر سه خط اساسی وجود دارد.

خط اول: انزواي آمریکا؛

خط دوم: انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی حتی علمی از غرب به آسیاست؛

خط سوم: جبهه مقاومت در برابر زورگویی آمریکا گسترش می‌یابد که مبتکرش جمهوری اسلامی است.

به زودی اخباری خواهیم شنید که این سه خط بیش از پیش فعال خواهد شد.

نظم جدید جهانی یک فرصت است. نرمش قهرمانانه واقعی و دیپلماسی اقتدار جایگاه جمهوری اسلامی ایران را در این نظم تعیین می‌کند.



تحلیلی درباره تفاهم ایران و سعودی در پکن

پس از خروج آمریکا از برجام رهبر انقلاب گفت: نه جنگ می شود و نه مذاکره (با آمریکا) می کنیم

تحولات یکسال اخیر در ایران و منطقه تا همین روز قبل خبر از قریب الوقوع بودن یک رویارویی نظامی در منطقه که قطعا یک ضلع آن ایران بود می داد. خیلی‌ها منتظر ساعت صفر بودند و چگونگی رخداد آن را تحلیل می کردند.

از طرفی بعد از ترور سردار سپهبد قاسم سلیمانی خروج آمریکا از منطقه به‌عنوان اصلی‌ترین راهبرد و انتقام از ترور او توسط سران نظام ایران و سید حسن نصرالله مطرح و در ۳ سال گذشته پیگیری شد.

بعد از ضربات کوچک و بزرگ در این سه سال؛ بیانه صادره شده در چین یک ضربه ناک اوت به آمریکا آن هم با مشارکت نزدیکترین متحدش در منطقه یعنی عربستان سعودی بود.

امروزه در یمن متحدان ایران (شیعیان زیدی با ۴۰ درصد جمعیت) به حداکثر آنچه که می‌توانستند در عرصه میدانی و ائتلاف با قبایل تاثیر گذار رسیده‌اند. و کنترل ۸۰ درصد مناطق مهم را در دست دارند.

در لبنان نیز وضعیت مشابه است. و حزب الله به‌عنوان دست برتر تثبیت شده است. و طبیعت لبنان ضرورت توافق همه جریان‌ها برای ثبات است. در سوریه؛ ترکیه راهی جز آشتی با حکومت بشار اسد ندارد و کشورهای مختلف عربی برای برقراری روابط با دولت سوریه صف کشیده‌اند. البته طراحی ایران –روسیه – سوریه خروج نیروهای آمریکا از مناطق کردنشین سوریه در ماه‌های آینده را رقم خواهد زد.

در عراق هم پروژه آلترناتیو شیعه ضد ایران با رهبری مقتدا صدر شکست خورد. و افراد نزدیک به ایران دولت را به دست گرفته‌اند. و تا اینجا موفق هم بوده‌اند.

ظهور جریان مبتدل زن زندگی آزادی آخرین شانس تیر و کمان اینها بود. که با عدم اقبال مردم و راهپیمایی ۲۲ بهمن عملاً شکست خورد و عمله‌های رسانه‌ای آنها هم تا اطلاع ثانوی باید برای بقا در سطح پایین هرم مازلو اینور آنور دربروزگی کنند.

در قسبه فلسطین نیز رهبر انقلاب چند سال پیش گفتند که قضیه فلسطین توسط خود فلسطینی‌ها باید بلد شود. و این رویکرد پیگیری شده است. امروز دولت نتانیاهو در یک وضعیت بحرانی قرار دارد. بیش از یک ماه است که هر شب ده‌ها هزار نفر در خیابان‌های تل آویو و حيفا اعتراض می‌کنند و روزی نیست که یک اقدام استشهادهی توسط جوانان خودجوش فلسطینی در کرانه باختری و سرزمین‌های اشغال انجام نشود.

این وسط زلزله ترکیه هم یک امداد غیبی برای جمهوری اسلامی بود تا اردوغان حداقل تا مشخص شدن وضعیت انتخابات اردیبهشت ۱۴۰۲ و یکسال پس از آن توانایی دخالت در آذربایجان و سوریه ... نداشته باشد و عملاً راهی جز هماهنگی با محور ایران و روسیه نداشته باشد.

فارغ از ملوموم بودن جنگ؛ ادامه نبرد اوکراین به نفع کارت بازی ایران در دیپلماسی خواهد بود.

در سباه ترین بازینامه‌ای که برای ایران در رسانه‌های داخلی و خارجی به مخاطبین خود القا کرده بودند جمهوری اسلامی؛ آس خود را رو کرد.

آیت الله خاتمی یار دیگر ثابت کرد که ایرانی‌ها مخترع بازی شطرنج هستند. و روزها و هفته‌های آتی این بازی را جذاب‌تر خواهد کرد.

تایید خرابکاری در دو هواپیمای در روزگار آشوب‌ها

در رویدادهای تلخ پاییز، چند خبر منتشر شد که همان روزها مسوولان تکذیب کردند یکی از این خبرها خرابکاری منافقین و گروه‌های تروریستی با هدایت یک افسر عامل خارجی در خرابکاری در راه‌آهن تبریز –تهران بود و دیگری هم خرابکاری در دو هواپیمای مسافربری که در واقع، در یک مورد تراندازی به سمت این هواپیما توسط گروه‌های تروریستی مسلح وابسته به منافقین ملوک بوده است. هر دو خبر آن روزها توسط مقامات استانی و کشوری به شکل ناشیانه‌ای تکذیب شد و باعث گردت تا ما هم به عنوان منتشر کنندگان خبر با حملات معمول و فحش‌های برخی‌ها مواجه شویم.

اما وزارت اطلاعات به مناسبت هفته سربازان گمنام ام‌زمان (عج) با برپایی یک نمایشگاه، بخشی از مهمترین اقدامات خود در چند ماه ناآرامی کشور پس از فوت مهسا امینی را به نمایش گذاشت. خوشبختانه در این نمایشگاه که شامل غرفه‌های مختلفی است که در آنها برنامه ریزی دشمن و اقدامات وزارت اطلاعات در خنثی‌سازی و بی اثر کردن اهداف دشمن را روایت شده است. با توجه به وقوع ناآرامی‌های کشور و نقش دستگاه‌های جاسوسی دشمن در این ناآرامی‌ها، این نمایشگاه سهم‌مورثی در بازخوانی اقدامات دشمن و روشن ساختن سوز و گداز اطلاعات برای مقابله با این اقدامات دارد. از جمله به خرابکاری در دو هواپیمای مسافربری هم اشاره شده است.

در بخشی از این نمایشگاه اقدامات دشمن در روزهای اغتشاشات از جمله تقویت رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه، افزایش بودجه فیلترشکن‌ها، طرح انجبار یک مرکز حساس صنعتی، خرابکاری در دو هواپیمای مسافربری، آموزش براندازی، تشویق اعتصابات و تحریم‌ها، حملات سایبری و ده برابر کردن ظرفیت انتشار پیام در توئیتر تشریح شده است. در یک بخش دیگر از این نمایشگاه انواع سلاح‌های سرد و گرم و تجهیزات و مهمات مشکوفه از ارادل و آشوب‌گران در معرض دید عموم قرار گرفت. در یک غرفه نیز با تشریح اقدامات نرم آمریکا علیه کشورمان به نقش بنیاد سایمک پورزند، عبدالرحمن برومند، موسسه اتحاد برای ایران، UFI و NED برای براندازی در ایران از طریق فعالیت‌های مدنی پرداخته شده است.

فیلم مستند «عملیات بزرگ» نیز در یکی از غرفه‌های این نمایشگاه به نمایش در آمده. این عملیات برای خرابکاری در یکی از مراکز صنعتی اصفهان توسط دیوید بارنیا رئیس موساد طراحی شده بود و عناصر کومه مسئول اجرای آن بودند که آنها قبل از انجام عملیات در دام افتاده و این عملیات به شکست انجامید. همچنین اسناد و مدارک مختلفی از تیم‌های عملیاتی کومه که قصد عملیات در ایران داشتند به نمایش درآمد. فیلم دیگری که در این نمایشگاه به نمایش در آمد؛ درباره شناسایی و دستگیری تیم تروریستی حمله کننده به حرم شامچراغ بود. اقدامات دشمن در این آموزش جنگ ترکیبی که فرماندهی آن در وزارت خارجه آمریکا و متولی دوره‌های آن CIA بوده است با سرفصل‌های شبکه سازی، توانمندسازی زنان، تولید پهانه‌های حقوق بشری، توانمندسازی سندیکاه‌ا، آموزش ناقرمائی مدنی، آموزش خبرسازی، آموزش امنیت ارتباطات در فضای مجازی، ترویج شهروند خبرنگار تشریح شد. این دوره‌ها در کشورهایی از قبیل ترکیه، امارات، هلند، ارمنستان، گرجستان، مالزی، اندونزی، تایلند، چک آمریکای جنوبی و ایتالیا برگزار شده است.

پروپاگاندا ی آمریکایی در برابر هژمونی ایرانی

دکتر فواد ایزدی

گزیده گفت‌وگو جام چم با دکتر فواد ایزدی درباره انتقال قدرت از غرب به شرق دنیا در حال تغییر است و وضعیتی که ما اکنون شاهد آن هستیم شاید کمتر در دهه‌های گذشته تجربه شده‌است. سؤال این است که دنیا در حال حرکت به چه سمتی است؟ جایگاه آمریکا چیست؟ کشورهای دیگر چه وضعیتی دارند و وضعیت ما چگونه خواهد بود؟ «نشنال اینتلیجنس کنسل» به‌عنوان یکی از ۱۷ نهاد اطلاعاتی آمریکا به‌دنبال یافتن جواب همین سؤال هاست. این نهاد کمتر شهرت دارد، به این دلیل که کار ویژه‌ای انجام می‌دهد. این نهاد با صرف بودجه چندصد میلیون هر سه چهار سال یکبار بعد از انجام یک کار پژوهشی، متنی حدود ۱۶۷ صفحه تولید می‌کند. در مقدمه آن آمده‌است که مثلاً برای تنظیم این متون به ۱۵۰ کشور مختلف سفر و با ۲۰۰۰ کارشناس صحبت کرده‌ایم. در قسمت ابتدایی یکی از این متون، برآیندی از روندهای جهانی در سال ۲۰۳۰ ارائه داده و اعتراف می‌کند که در آن زمان، آمریکا هیچ نوع قدرت هژمونی ندارد و جایگاهش را از دست می‌دهد. کشور دیگری هم توان پرکردن این جای خالی را نخواهد داشت.

در جواب این سؤال که وضعیت جهان چه خواهد شد؟ باید گفت ساختار قدرت تغییر می‌کند و به شبکه‌ها و ائتلاف‌ها در یک جهان چندقطبی منتقل می‌شود. در واقع دنیا در حال چندقطبی شدن است. البته نه به دلیلی که آمریکایی‌ها می‌گویند.

نقل به مضمون می‌کنم که حضرت‌آقا چند سال پیش در مورد پیچ تاریخی و بحث چندقطبی شدن دنیا فرمودند: «دفعه قبل که این پیچ تاریخی طی شد، سر جهان اسلام بی‌کلاه ماند. این بار نباید چنین اتفاقی حادث شود.» بعد از جنگ جهانی دوم دنیای دوقطبی را داشتیم. پس از آن شوروی فروپاشید و دنیا تک‌قطبی شد. اکنون دوباره در حال چندقطبی شدن است. این چندقطبی شدن در همه جای دنیا تبعاتی خواهد داشت و برای ما هم همین‌طور است اما این‌دفعه جهان اسلام باید مسیری خلاف دفعات قبل را پیماید.

دومین متنی که می‌خواهم براساس آن صحبت کنم، متعلق به وزارت دفاع انگلیس است. انگلیسی‌ها نیز به‌صورت مرتب متون مشابهی با عنوان «Global Strategic Trends» یعنی چرخش‌های راهبردی جهانی تولید می‌کنند. متن مورد نظر من درباره مولتی‌پلاریتی یا همان چندقطبی صحبت می‌کند و به وجود چهار شاخص در جهان آینده اشاره دارد که یکی از آنها بحث شبکه‌ها یا همان نتورک است. در دنیای دوقطبی، جمهوری اسلامی با هر دو قطب یعنی آمریکا و شوروی درگیری مشخصی داشت. در دوره تک‌قطبی همچنان حالت درگیری با آمریکا برای ما وجود داشته اما اکنون که دنیا در حال چندقطبی شدن است جمهوری اسلامی باید روشن کند که آیا می‌خواهد درگیری با آمریکا را با قطب‌های دیگر نیز داشته باشد یا این که قصد دارد روابط خوبی با آنها برقرار نماید. در صحنه بین‌الملل، اتفاقی‌های تازه‌ای در حال وقوع است و انتخاب‌های جدیدی وجود دارد. اگر قرار است قرن پانزدهم خورشیدی، قرن شکوفایی تمدن نوین اسلامی باشد و جایگاه جهان اسلام و جمهوری اسلامی در دنیا ارتقا یابد و جهان اسلام به یکی از قطب‌های جدید در عرصه بین‌الملل تبدیل شود این بحث‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این مسأله که موضوع ما با قطب‌های دیگر جهان چه خواهد بود، بسیار حائز اهمیت است.

سند سوم، متنی که در ماه فوریه سال ۲۰۲۲ توسط «آفیس آف دایرکت آف نشنال اینتلیجنس» آمریکا تهیه شد. تمام این متن‌ها در ژانویه و فوریه هر سال به سنا ارائه می‌شود. در ابتدای این متن نیز به این نکته اشاره می‌شود که دنیا در حال تغییر و تحول است. به‌دلیل تغییر محاسبات قدرت که در دنیا ایجاد شده، بازیگران نیز در حال بازیابی جایگاه خود هستند و در کشور ما نیز این اتفاق در حال وقوع است. کشورهای مختلف جایگاه و توانمندی‌های خود را در جهانی که به‌شدت به سمت چند قطبی شدن می‌رود، بازیابی می‌کنند. اکنون دنیا در حال اجماع روی این موضوع است.

میزگرد «فرهیختگان» با جبار رحمانی و محسن صبوریان درباره دین و وقایع ۱۴۰۱

جامعه نمی‌خواهد بی‌دین باشد

محمدحسین نظری

یکی از جنبه‌هایی که در ماه‌های گذشته درباره حوادث ۱۴۰۱ در گفت‌وگوها کمتر به آن پرداخته شده، سویه‌های دینی این حوادث بوده است. سوال این است که آیا پایگاه‌های دینی و دین به‌مثابه مرجع بیرونی نسبتی با این حوادث داشت و آیا از رفتارها، شعارها و مواضع لیبرها و کنشگران این حوادث می‌توان نکته‌ای در این باره استنتاج کرد؟

برای پاسخ به این سوالات سراغ محسن صبوریان، عضو هیات‌علمی دانشکده علوم اجتماعی تهران و جبار رحمانی عضو هیات‌علمی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم رفتیم. مشروح این نشست را در ادامه از نظر می‌گذرانید. جبار رحمانی: در تحلیل‌ها دیده‌ام که برخی این جنبش را به نزاع بین دین و بی‌دینی و نزاع بین اخلاق و بی‌اخلاقی تقلیل می‌دهند. این کلیشه تحلیلی، درست نیست و به تعبیری برای فهم واقعیت موجود کلیشه‌ای غیراخلاقی است. داده‌های موجود نشان نمی‌دهد که در جامعه ایرانی دین امری خشن باشد.

محسن صبوریان: حس من این است که جامعه ما سکولارتر شده است. براساس مدل‌ها و ابعاد مختلف سنجش دینداری این مسأله در این جنبش مشهود بوده است. این جنبش گستردگی قابل‌توجهی داشته، دقیقاً به همین دلیل برخی را به‌خطا انداخته و ادعای انقلاب کرده‌اند. ما در ایران بعد از حوادث سال ۸۸ از نظر دوام و بلندمدت بودن، حادثه‌ای به این وسعت نداشته‌ایم. اگر بخواییم با آن حادثه مقایسه کنیم، به‌نظر من سویه‌های دینی کاملاً غایب بودند و با گزاره دکتر رحمانی چندان موافق نیستم که این جنبش سویه‌های دینی و سویه‌های الهیاتی داشته و جنگ خدایان بوده است.

دو سال پیش در کنفرانس امنیتی مونیخ نیز این بحث مطرح شد. سبک مشخصی که این کنفرانس‌ها دارند به این ترتیب که در طول سال روی متنی کار می‌کنند و زمان برگزاری کنفرانس، این متن را ارائه می‌دهند. افرادی که در کنفرانس حضور دارند نیز درباره متن نظر می‌دهند. یعنی برگزار کنندگان کنفرانس کارشان را با یک متن پایه آغاز می‌کنند. دو سال قبل عنوان این کنفرانس و متن پایه آن «پست لس‌نس» بود. کلمه مذکور نه یک کلمه انگلیسی که یک کلمه ابداعی است. حداقل تا دو سال پیش در دیکشنری‌ها این کلمه وجود نداشت. در انگلیسی کلمه ویت لس‌نس را داریم که به معنی بی‌وزنی است و وست لس‌نس به معنی بی‌غریبی است؛ یعنی در مهم‌ترین کنفرانس امنیتی دنیا که در کشوری غربی و اروپایی چون آلمان برگزار شده، گفته می‌شود که جهان به سمت حالت بی‌غریبی می‌رود و مقصود آن همان چندقطبی شدن دنیاست. در بخشی از متن کنفرانس بحث انتقال قدرت به شرق در آن به شدت برجسته است.

نشأت تحولات اخیر سیاسی جهان، از افول آمریکا

اشاره به افول آمریکا در فرمایشات حضرت آقا هم زیاد شنیده می‌شود. استادان نیز در این باره کتاب نوشته‌اند. چارلز کوپچین، استاد دانشگاه جورج تاون کتابی دارد با عنوان جهانی که متعلق به هیچ‌کس نیست او هم از این پیچ تاریخی حرف می‌زند. من در داخل آمریکا کارشناسی را نمی‌شناسم که در این حوزه کار کند و معتقد به این موضوع نباشد. یعنی چه جمهوری‌خواه، چه دموکرات و چه افراد بی‌طرف روی این موضوع اجماع دارند. حقیقت این است که اگر نتوانیم قدرت را مدیریت کنیم، از دست خواهیم رفت. در آمریکا نهادهایی ایجاد شد که چهار قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی و قدرت نرم که منتج از آن سه قدرت است را مدیریت می‌کرد. با این حال آمریکا در این حوزه‌ها دچار چالش شد، پس به تدریج افول کرد.

مهم‌ترین شخصیتی که در طول یکی دو دهه گذشته آمریکا را در حوزه نظامی دچار چالش کرد حاج قاسم سلیمانی بود. آمریکایی‌ها در منطقه میلیاردها دلار هزینه کردند. به گفته ترامپ خرج‌شان هفت یا هشت تریلیون دلار بوده،

اما کاری از پیش نبردند. آمریکا در افغانستان، عراق، لبنان، سوریه حتی یمن که ضعیف‌ترین کشور بود، کاری از پیش نبرد. حاج قاسم، کلید سرعت گرفتن افول آمریکایی‌ها در منطقه را زد و به همین دلیل مورد غضب آنها قرار گرفت. نظرسنجی‌های متعددی وجود دارد که بعضی از آنها توسط یک مرکز نظرسنجی آمریکایی به نام پیو ارائه می‌شود. در این نظرسنجی‌ها روندهای جهانی نگاه به آمریکا همواره در حال پایین رفتن است. حتی امروز جریان غربگرا در کشور ما هم زیاد مایل به حمایت از آمریکا نیست، معمولاً این گروه در جهان با تأخیر مردم می‌شود، اما اکنون تردید حتی به آنها هم رسیده‌است. سخنرانی‌های ۵۰ سال قبل شهید مطهری تحت عنوان عنصر تبلیغ در نهضت حسینی یادآور گفته‌های نظریه‌پردازهای غربی علم ارتباطات، مثل آقای گرونیک بود که البته دو دهه بعد از شهید مطهری نظریاتش را ارائه داد. باید به چنین گفته‌هایی بیشتر توجه شود چرا که دعوی اصلی ما از روز اول انقلاب، دعوی تبلیغاتی است و آمریکایی‌ها از دولت کارت تانکون در این حوزه تمرکز کرده‌اند. هیچ رسانه‌ای در دنیا نیست که ایدئولوژیک نباشد. اتفاقاً آمریکایی‌ها در حوزه رسانه ایدئولوژیک‌ترین آدم‌های دنیا هستند. در حوزه تبلیغات، سیاست و امور نظامی هم این‌گونه هستند؛ در تمام‌امور قصد دارند مفهومی را منتقل کنند. اسرائیل با چالش‌های جدی مواجه است و این نمایش‌هایی که برگزار می‌کند، مشکل را حل نخواهد کرد. اگر مسئولان اسرائیلی متوجه موضوع باشند هم عملاً نمی‌توانند کاری کنند؛ چون به پیروزی در انتخابات علاقه دارند و اگر بخواهند این قبیل مشکلات را حل کنند، در انتخابات بعدی با مشکل مواجه خواهند شد. از این جهت به نظر من، آینده روشن است. البته نهادهای نظامی ما باید هوشمند باشند اما در درازمدت آن پیش‌بینی ۲۵ ساله محقق می‌شود. امروز افکار عمومی ملت‌های عرب نمی‌پذیرد سران عرب و وزاری خارجه‌شان به زیارت قبر بن‌گوریون بروند. رهبر معظم انقلاب نیز همواره اشاره داشته‌اند که اگر جهان عرب بیدار شود، داستان اسرائیل تمام است. دنیا در حال تغییر است و در مناطق مختلف دنیا به این تحول و چرخش تاریخی توجه می‌شود؛ اما راهکارهایی که برای مواجه شدن با این تغییر ارائه می‌شود، ریشه‌ای نیست.



حریم خود را داشته باشد و این همه جامعه را به تصاحب خود درنیارود. ولی از همین منظر به نظر من جامعه نمی‌خواهد بی‌دین باشد و چنین پیامی صادر نشد. جامعه نمی‌خواهد بی‌اخلاق باشد و اتفاقاً از جانب اکثریت مردم برخورد‌ها اخلاقی است.

جبار رحمانی: روحانیت تکثر زیادی دارد ولی آیا جامعه این را می‌داند؟ آیا در تلویزیون روایت دیگری از روحانیت دیده‌اید؟ همیشه تصویر واحدی وجود داشته یک روحانیت داریم و یک مرجعیت داریم که خالصاً و مخلصاً در خدمت حاکمیت هستند و کاری جز دعا برای حکمرانی ندارند. من هم می‌دانم که جامعه روحانیت تکثر وجود دارد ولی جامعه این را نمی‌داند مگر اینکه در اندرونی حوزه باشید و ببینید چه سازوکارهای نابرابری در همانجا وجود دارد، لذا این تصویر مهم است ولی جامعه آن تصویر را ندارد چون حاکمیت همیشه یک تصویر را نشان داده است. اگر بخواییم پراگماتیسمی برخورد کنیم، اگر حکمرانی دینی در جمهوری اسلامی می‌توانست زندگی متعادل و معقولی را برای جامعه رقم بزند و ما را این همه بی‌په‌په در معرض تباهی قرار ندهد مردم این‌طور به دین واکنش نشان نمی‌دادند چون کارآمدی‌اش را می‌دیدند.

مسأله بر سر این نیست که ما دچار بحران هستیم مسأله بر سر این است که می‌دانیم این بحران قابل حل است و به دلیل منافع شخصی و گروهی یا تشخیص‌های شخص دیگری، وضعیتی بر جامعه تحمیل می‌شود که من باید هزینه‌اش را بدهم.

FAKE NEWS!

هشدار!

سلبریتی‌ها در کمین‌اند!

فاطمه اکرار رضائی

حتماً شما هم شنیده‌اید که فردی در صفحه‌ی اینستاگرام خود، رفتاری مشمئزکننده داشته است. برای سلبریتی، شهرت مهم است، محبوبیت یا تنفر فرقی نمی‌کند. میل به دیده‌شدن و سود اقتصادی حاصل از آن، باعث می‌شود بسیاری از رفتارهایی که سلبریتی‌ها در رسانه‌های اجتماعی بروز می‌دهند، مصداق محتوای مضر باشد. موضوع، زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم سلبریتی‌ها بر دنبال‌کنندگان خود مؤثر هستند. هدف اصلی این یادداشت، چاره‌اندیشی در برابر هجوم بی‌آمان فرهنگ شهرت است، فرهنگی که به قول دکتر احسان شاه‌قاسمی، هیچ‌گاه عقب نمی‌نشیند و همه‌ی جوانب زندگی را به ابتدال می‌کشد.

این مُلک صاحب دارد

فضای بی‌ضابطه‌ی کنونی، بهشتی برای سلبریتی‌هاست. یک سلبریتی برای زلزله‌ی سرپل ذهاب پول جمع می‌کند، اما پول مردم را کاملاً خرج نمی‌کند، دیگری هر خبر جعلی و محتوای گمراه‌کننده‌ای که می‌خواهد منتشر می‌کند، بدون اینکه در قبال تبعات آن مسئول باشد. تاکنون احکام حقوقی برای صیانت از مصالح عامّه در برابر آسیب‌های سلبریتی وضع نشده، لذا دستگاهی نیز به طور مشخص، مسئول ساماندهی به این آشفته‌بازار نیست. قانون‌گذار می‌تواند علاوه بر نگاشت نهادی و تعیین وظایف دستگاه‌ها، با استفاده از ابزارهای مالی همچون وضع مالیات متغیر ناظر به عملکرد سلبریتی‌ها، شفافیت مراودات مالی، تعیین سقف قرارداد، وضع جریمه و در نظر گرفتن مسئولیت‌های مدنی و کیفری، حقوق عامه را تضمین کند.

خبرگزاری رویترز، ۲۷ ژانویه سال جاری گزارش داد که کمیسیون رقابت و مصرف‌کننده استرالیا (ACCC) بررسی بیش از ۱۰۰ سلبریتی استرالیایی را در رسانه‌های اجتماعی آغاز کرده است. علت اتخاذ این تصمیم، شکایت مصرف‌کنندگان از توصیه‌های گمراه‌کننده‌ی سلبریتی‌ها اعلام شده است. جینا کاس گولتیب، رئیس این کمیسیون اعلام کرده است: «جامعه در مورد تعداد روزافزون تکنیک‌های بازاریابی فریب‌کارانه در رسانه‌های اجتماعی که برای اغوا یا اجبار مصرف‌کنندگان به خرید کالا یا خدمات طراحی شده‌اند، نگران است». قرار بر این است که جرمه نقض قوانین حقوق مصرف‌کننده این کشور از سوی سلبریتی‌ها، تا سقف ۱،۷۸ میلیون دلار باشد.

بر جسته‌سازی ممنوع!

موضوع دیگر، دامن نزدن به فرهنگ شهرت است. مثلاً چرا باید عمدۀ برنامه‌های صداوسیما سلبریتی‌محور باشند؟ چرا باید کمپین‌های انتخاباتی جولانگاه سلبریتی‌ها باشند؟ اشتیاق فعالان حوزه‌ی رسانه و سیاست برای استفاده از شهرت سلبریتی‌ها، اگر کنترل نشود، فرهنگ شهرت را افسارگسیخته می‌کند. راه‌حل این مشکل، به «شورای نظارت بر صداوسیما» و همچنین «ساترا» بر می‌گردد. شورای نظارت، می‌بایست با حضور بی‌مهابای چهره‌ها در برنامه‌های ترکیبی و گفتگو‌محور برخورد کند. ساترا نیز می‌بایست با تدقیق مقررات تبلیغات انتخاباتی، مانع از سوءاستفاده‌ی احزاب سیاسی از چهره‌ها شود.

جنبش سواد رسانه‌ای

خط‌مشی مهم دیگری که جوامع از آن بهره‌مند می‌شوند، ارتقای سواد رسانه‌ای است. سواد رسانه‌ای مخاطب را از انفعال در برابر پیام‌های رسانه‌ای می‌رهاند. هرچند که دولت‌ها در خصوص ترویج سواد رسانه‌ای نقش دارند (برای نمونه، برنامه‌ی سواد رسانه‌ای افکام که توسط دولت بریتانیا تأمین مالی می‌شد) اما خانواده‌ها نیز باید درخصوص سبب مصرف رسانه‌ای خانواده‌ی خود دغدغه‌مند باشند.

مردان میدان

میل به الگوپذیری (در سطح بینش، گرایش و کُنش) همواره در انسان وجود داشته است، بنابراین با انفعال مراجع فکری همچون فضّای حوزه و دانشگاه و سایر فرهیختگان، میدان برای سلبریتی‌ها باز می‌شود. امتداد ولن‌گاری وضعیت امروز سلبریتی، به جامعه‌ای ختم می‌شود که مردم به جای فضیلت، برای شهرت ارزش قائل می‌شوند و اگر خدای نکرده چنین شود، باید فاتحه‌ی آن را خواند!



«فروپاشی» آخرین راه برای رژیم صهیونیستی

سیاسی به بن بست رسیده است، در مورد گزینه‌های احتمالی برای جایگزینی سیستم موجود گفت‌وگوی سراسری برقرار کنند.

ماه فوریه یادداشتی از مورخ معروف صهیونیستی یووال نوح هراری، استاد تاریخ در دانشگاه عبری در قدس اشغالی منتشر کرد که تصویری تیره و تار از وضعیت رژیم صهیونیستی ترسیم کرد و در آن اعتراف کرد به دلیل دگرگونی سیستم در نظر دارد اراضی اشغالی را ترک کند. هراری در یادداشت خود نوشت: «در مورد آنچه طرف مقابل می‌خواهد شک ندارم. آنها می‌خواهند دموکراسی را ریشه کن کنند». وی خاطرنشان کرد که کسانی که به «دموکراسی» اعتقاد ندارند در اراضی اشغالی اکثریت شده‌اند. که به نظر می‌رسد منظور او، همان جریان‌های نژادپرست و جنگ‌طلبی است که در طول چند دهه گذشته در تاریکی نشست و وارد عرصه سیاست نشده بودند.

هراری معتقد است، دولت رژیم صهیونیستی گام‌های محکمی برای ریشه‌کن کردن «دموکراسی» برمی‌دارد و تاکنون فقط تعداد کمی از شهروندان اسرائیلی هستند که در برابر آن مقاومت واقعی نشان می‌دهند. حتی اگر این بار تلاش برای ریشه‌کن کردن موفق نشود آنها دوباره حاکمتر ظرف دو سال شاید بعد از پنج یا ۱۰ سال تلاش خواهند کرد. مبارزه طولانی و دشوار خواهد بود و هیچ‌کس نمی‌تواند نتیجه آن را تضمین کند! به نوشته هارتز، ناامیدی که هراری از آن صحبت می‌کند درناک است. این ناامیدی از ترکیبی از شرایط ویرانگر ناشی می‌شود. رژیم صهیونیستی اکنون به سرعت در حال از دست دادن تعادل بین یهودیت و «دموکراسی» است. این روزنامه نوشت، به گفته روون ریولین، رئیس سابق رژیم صهیونیستی، این رژیم به چهار قبیله تقسیم شده است؛ اما دو قبیله یهودیان تندرو و صهیونیست‌های مذهبی به سرعت در حال رشد هستند و قبیله دوم اصول دموکراسی را به فرزندان خود آموزش نمی‌دهند. همین مساله باعث تضعیف اساس پیکره رژیم صهیونیستی به عنوان «دولت لیبرال دموکراتیک» شده است. به نوشته هارتز، دو قبیله دیگر یهودیان سکولار و عرب‌ها هستند. هر چند تعداد یهودیان سکولار که در بالا ما از آن‌ها به عنوان «شهروندانشان لیبرال» یاد کردیم در ظاهر کم نیست، اما حقیقتی که هراری به شکل تلویحی به آن اشاره کرده، تندرو شدن فرزندان آن‌ها در جامعه‌ای است که سیستم آموزشی دولت همان جریان تندرو است. روزنامه هارتز می‌افزاید، رشد سریع جمعیتی یهودیان افراطی، که در آن میانگین نرخ باروری در میان زنان ۶.۵ فرزند به ازای هر زن است، بالاترین میزان در جهان است که مشکلات زیادی را بر جای می‌گذارد. چرا که این گروه آموزش لازم را دریافت نمی‌کنند، در اقتصاد شرکت نمی‌کنند بلکه از نفوذ سیاسی خود برای گرفتن پول از دولت استفاده می‌کنند و همین موجب شده آنها بدون نیاز به کار زندگی کنند و در نتیجه رژیم صهیونیستی به سمت سقوط اقتصادی مورد انتظار پیش خواهد رفت. یهودیان افراطی تا سال ۲۰۶۰ یک سوم جمعیت اراضی اشغالی را تشکیل می‌دهند که تهدیدی برای اقتصاد اسرائیل محسوب می‌شوند «زیرا هیچ دولتی نمی‌تواند رفاه خود را حفظ کند وقتی که یک سوم شهروندانش به جای کار به مزایا وابسته باشند».

البته امیدواری این روزنامه به دیدن تاریخ ۲۰۶۰ بیشتر نوعی خوش‌خیالی مداوم است؛ اگر بخوایم مینا را گفته‌های هراری و نوشته هارتز هم در نظر بگیریم، وضعیت این رژیم چند پارچه بی‌ماهیت خیلی خیلی زودتر از این گفته‌ها و مسائل به پایان می‌رسد. در جامعه‌ای که توان اقتصادی به هم بخورد، توازن اجتماعی و سیاسی نیز به هم خواهد خورد. یک عمر صهیونیست‌ها مفت و مجانی سالیانه نزدیک به ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار از امریکا دریافت می‌کردند، اما آیا امریکا هنوز می‌تواند این پول را به این جامعه تزریق کند؟ آیا آینده اقتصادی به شرکت‌های امریکایی اجازه می‌دهند همچنان در فلسطین اشغالی حضور داشته باشند؟ این‌ها را در کنار مشکلات امنیتی بگذارد تا متوجه سختی کار شوید.

هارتز نوشت، ناامیدی هراری مورخ بخشی از آگاهی گسترده‌تر در میان عموم مردم است که اسرائیل به سمت خودویرانگری پیش می‌رود. حتی اگر فردا اصلاحات قضایی متوقف شود و یک دولت وفادار و غیر افراطی انتخاب شود، باز هم نمی‌توان انتظار داشت که نگرانی‌ها در مورد ثبات اراضی اشغالی و آینده سیستم حکومتی لیبرال آن از بین برود! این همان شکافی است که در بالا از آن صحبت کردیم و مشخص می‌کند که این شکاف‌هایی که همیشه وجود داشته بودند اما به دلایل مختلف سربسته ماندند، حالا دارند آرام آرام خودشان را به منصفه ظهور می‌رانند. با این حال، آنچه این روزنامه در پایان گزارش خود نوشته، روایت بسیار تلخ‌تری برای صهیونیست‌ها به شمار می‌رود: هارتز می‌نویسد: دولت در تلاش است تا گزارش‌های مربوط به فرار پول به خارج را به عنوان بخشی از یک کارزار ایجاد رعب و وحشت جلوه دهد؛ اما واقعیت کاملا برعکس است و نگرانی‌های واقعی در این زمینه وجود دارند. خسارتی که به این رژیم وارد شده جبران ناپذیر است؛ پولی که رفته هیچ وقت برنمی‌گردد، خروج ارز، انتقال شرکت‌های داخلی به خارج و فرار مغزها پدیده‌ای دائمی و مستمر خواهد بود... تبعات این اتفاقات را می‌توان در «معاهده پکن» دید، جایی که صهیونیست‌ها دیدند نمی‌توانند روی دیوار اشغالگری صهیونیست‌ها یادگاری بنویسند.

معافیت‌های مالیاتی به کمپانی‌هایی صورت می‌گیرد که در این رژیم سرمایه‌گذاری کنند. این معافیت‌ها که در واقع نوعی مشوق‌های مالی به شمار می‌روند باعث می‌شود خیلی از شرکت‌های فناوری امریکایی بخشی از زنجیره تولید و توسعه خود را با فلسطین اشغالی منتقل کنند تا جایی که ده‌ها هزار نفر در این حوزه مشغول به کار هستند. به عنوان مثال، یکی از مهمترین خطوط تولید گوشی‌های شرکت اپل در فلسطین قرار دارد و همین مساله هم باعث شده تا این رژیم راه نفوذ به آن را پیدا کند. هر چه بحران اقتصادی در امریکا وخیم‌تر شود، بر وضعیت اقتصادی در فلسطین اشغالی اثرات بیشتری دارد و این فرصت را برای گروه‌های تندروی که همواره پشت پرده قرار داشتند بیش از پیش مهیا می‌کند تا به شکل عملی وارد عرصه قدرت شوند. موضوع مهمی که کمتر کسی به آن اشاره می‌کند، میزان مشارکت در انتخابات پارلمانی این رژیم است تا جایی که بخش تندروی مذهبی صهیونیست‌ها در چند دهه گذشته مشارکت چندانی در انتخابات نداشتند و یک اقلیت آن‌ها پای صندوق‌های می‌رفتند که چند نفری از لیبرال‌های تندرو را به کنست بفرستند. در مقابل، یک گروه ۳۵ تا ۴۰ درصدی از لیبرال‌های شهری را مشارکت در انتخابات، همواره کنترل دولت‌ها را به دست داشتند.

همزمان با شکل‌گیری بحران‌های برشمرده شده در سرزمین‌های اشغالی، به ویژه در پی ناکامی چند دوره برگزاری انتخابات، جریان‌های تندروتر تعارف را کنار گذاشته و وارد عرصه عملی قدرت شدند. تبلیغات آن‌ها باعث شد تا از همان گروه ۳۵ تا ۴۰ درصدی لیبرال‌های شهرنشین نشین نیز بتوانند یک جامعه رای برای خود تدارک ببیند. موضوعی که عامل مهم روی کار آمدن نتانیاهو با وزاری بسیار تندرویی شد که در چند ماه گذشته رفتارها و اقدامات آن‌ها را شاهد بودایم. اما این چیزی نبود که کاخ سفید بخواهد و همین مساله عاملی شد تا لیبرال‌های شهرنشین خیابان‌ها بریزند و اصلاح قوانین قضایی را بهانه‌ای برای تحت فشار قرار دادن دولت حاکم کنند.

همانگونه که پیش از این هم نوشتیم، پشت این تجمعات شبانه کاخ سفید قرار دارد. چند روز پیش هم یکی از رسانه‌های امریکایی تایید کرده بود که نتانیاهو در کاخ سفید «عنصر نامطلوب» به شمار می‌رود و رفتارهای دولت او باعث شده تا قدرت نرم و سخت امریکا در منطقه به صورت کامل زیر سوال برود. در چند ماه گذشته ده‌ها مقام مختلف امریکایی با سفر به تل‌آویو تلاش کردند تا سیاست این دولت را تغییر دهند، اما به نظر می‌رسد که این خواسته روی نخواهد داد و ما سه دهه پس از تروور اسحاق رابین، شاهد یک تطور ماهیتی در میان صهیونیست‌ها خواهیم بود که اگر امریکا حمایت خود را از آن کم کند، می‌تواند مشکلات بسیار زیادی را برای این رژیم به وجود بیاورد.

شاید برخی در ایران بگویند که آنچه در سرزمین‌های اشغالی در حال روی دادن است، فیلم صهیونیست‌ها است اما اگر اختلافات و شکاف اجتماعی سیاسی روی داده پس از انتخابات سال ۱۳۸۸، حوادث ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ در ایران فیلم است، آنچه آنجا هم در حال اتفاق افتادن است، فیلمی بیش نیست. واقعیت این است که ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی که مبتنی بر جنگ، اشغال، تجاوز، نژادپرستی و به صورت کامل، حکومت پادگانی است دیگر قدرت ادامه مسیر را ندارد. بسیاری از ابزارهای قدرتی که صهیونیست‌ها تا همین دو دهه پیش در اختیار داشتند و با آن اقدامات خود را توجیه می‌کردند، از دست‌شان خارج شده است.

در این زمینه روزنامه هارتز به عنوان یکی از نشریات صهیونیستی «چپ‌گرا» در گزارش قابل توجه نوشته که گروهی از کارشناسان اکنون در حال بررسی جایگزین‌های احتمالی برای سیستم حاکم موجود هستند. دست اندرکاران این مطالعه به خوبی می‌دانند که امور هستند که بدانند آیا می‌توان ساختاری جدید و مؤثر برای این سیستم حکومتی ایجاد کرد؟ در این گزارش آمده است که کارشناسان هنوز آماده انتشار گزینه‌هایی نیستند که همچنان در حال بررسی هستند، زیرا هنوز در مراحل اولیه خود قرار دارند. با این حال، آنها قصد دارند با توجه به اینکه رژیم صهیونیستی در سطح

وضعیت سیاسی و اجتماعی در سرزمین‌های اشغالی بسیار به هم ریخته است. جامعه ده‌ها پارچه‌ای مهاجر صهیونیستی که با نگاه تشکیل «کشوری» در یک «کشور» دیگر با زور سلاح، قتل، تهدید و با حمایت قدرت‌های غربی به فلسطین آمده بودند، حالا دچار یکی از مهمترین بحران‌های چند دهه‌ای خود شده‌اند؛ بحرانی که برای چندین دهه وجود داشت اما به دلایل مختلف مجالی برای بروز و ظهور پیدا نمی‌کرد. این بحران در حقیقت از زمان تروور اسحاق رابین کلید خود و آرام آرام نشانه‌های خود را در ترکیب پارلمان این رژیم بروز داد تا که امروز مشاهده می‌کنیم پارلمان این رژیم به صورت کامل در کنترل همان جریان‌هایی قرار گرفته که سه دهه پیش رابین را تروور کردند.

این جریان‌ها از ابتدای تشکیل این رژیم جعلی وجود داشتند، اما تا زمانی که دولت‌های مستقر خواسته‌ها و سیاست‌های این جریان‌های تندروی وحشی را جامه عمل می‌پوشاندند، آن‌ها وارد عرصه قدرت نمی‌شدند. یکی از دلایلی که همه دولت‌های حاکم در تل‌آویو در کارنامه خود جنایت‌های وحشیانه‌ای دارند و دست‌شان به خون هزاران انسان بی‌گناه آلوده شده، فارغ از خوی وحشی‌گری و سبوعیت صهیونیستی – یهودی، به این مساله بر می‌گشت که می‌خواستند به این جریان‌های قدرتمند پیام بدهند ما «کار» را انجام می‌دهیم و نیازی به حضور شما در دولت و پارلمان نیست. اما با تغییر موازنه قوا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه از زمانی که پیمان‌های اسلو و مادرید امضا شد، این جریان‌ها که تمامیت‌خواه بوده و هنوز و هم دنبال «نیل تا فرات» بودند، متوجه شدند که بازی به شکل دیگری در حال رقم خوردن است. با توجه به این اصل مهم که اصل حیات این رژیم در توسعه‌طلبی و جنگ نهفته است، با گذشت زمان، ناکامی‌ها و شکست‌های وارد شده به این رژیم وضعیت تغییر کرد. جریان قدرتمند پشت پرده به ویژه پس از شکست سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ فهمید که دیگر دوران توسعه‌طلبی به پایان رسیده و این رژیم در مرزهای اشغالی سال ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ باید محدود بماند.

رویدادها و اتفاقات منطقه آسیای غربی در سال‌های بعد، باعث شد تا احزاب تندروی صهیونیستی بیش از پیش پا به عرصه بگذارند و این مساله نشان از افکار حاکم بر این رژیم داشت و اینکه بر خلاف تبلیغات صورت گرفته و تلاش برای نشان دادن شکل و شمایل متمدنی، اکثریت شهرکنشینان گروهی وحشی هستند که هیچ موجود زنده‌ای را جز خود بر نمی‌تابند. بحران توسعه‌طلبی و هویتی در کنار بحران اقتصادی و معیشتی باعث شد که این رژیم بیش از پیش دچار بحران شود. عمده بحران اقتصادی هم ناشی از ناتوانی امریکا در تداوم حمایت‌ها از این رژیم بود. در واقع، کمک‌های مالی مستقیم بخشی از حمایت‌های واشنگتن از رژیم اشغالگر است و بخش وسیع‌تری از این کمک‌ها در شکل‌های دیگر ارائه می‌شود.

همین چند روز پیش وقتی بانک سیلیکون ولی امریکا اعلام ورشکستگی کرد، اثرات عجیبی بر بیش از ۳۰۰ شرکت مستقر در فلسطین اشغالی داشت. در حقیقت، بخشی از کمک‌های امریکا به صهیونیست‌ها در قالب



رژیم اسرائیل از آپارتاید هم بدتر است

دولت ترامپ فقط به حمله به ایران می‌اندیشد

نوام چامسکی

جامعه خبری تحلیلی الف- «نوام چامسکی» نظریه‌پرداز و اندیشمند مطرح آمریکایی معتقد است که رژیم صهیونیستی نمی‌تواند برای همیشه روی کمک واشنگتن حساب کند زیرا اقدامات تل‌آویو طی سال‌های اخیر باعث شده نظر افکار عمومی در ایالات متحده نسبت به آنها برگردد.

چامسکی در گفت‌وگو با اندیشکده «شاهد» در امور حقوق و توسعه فلسطینیان، با اشاره به اینکه دولت امریکا به ریاست «دونالد ترامپ» هیچ راهکاری برای تأسیس دولت مستقل فلسطین ندارد، گفت: «دولت ترامپ فقط به حمله به ایران می‌اندیشد».

وی با بیان اینکه حمایت‌ها از رژیم صهیونیستی در امریکا، به شدت روی کلیساهای پروتستان و حزب نژادپرست ملی‌گرا (ضد مسلمانان) مبتنی است، توضیح داد: «که بیشتر آنها در برنامه جنبش‌های ضد اسرائیلی (BDS) با تمرکز ویژه‌ای روی شرکت‌های آمریکایی دخیل در اشغالگری، شرکت کرده‌اند».

این دانشمند آمریکایی با اشاره به آگاهی رو به رشد تل‌آویو از وابستگی‌های استراتژیک خود، گفت: «چند سال قبل، تحلیلگران امور استراتژیک در اسرائیل فهمیدند که بیش از این نمی‌توانند به کمک کشورهایی که در آن نیم‌نگاهی به مسائل حقوق بشری وجود دارد، وابسته باشند و باید بیشتر به سمت بخش‌های ارتجاعی و اقتدار نزدیک شوند، امری که بیشتر از چند سال طول نکشید».

چامسکی درباره امکان برون‌رفت از موانع فعلی در امر توافق سازش، توضیح داد: «مذاکرات مادرید شکست خورد زیرا هیأت فلسطینی به ریاست دکتر حیدر عبدالشافی روی پایان یافتن سیاست اسرائیل در توسعه شهرک‌های غیرقانونی پافشاری کرد. امریکا و اسرائیل با چنین چیزی موافقت نخواهند کرد. یاسر عرفات روی این مسئله اصرار نکرد، در واقع روی هیچ چیزی غیر از به رسمیت شناخته شدن سازمان آزادی‌بخش فلسطین پافشاری نکرد».

وی راهکار خروج رژیم صهیونیستی و حامیان آمریکایی‌اش از بن‌بست مسئله فلسطین را اینگونه بیان کرد: «پیوستن به دیگر کشورهای دنیا در موافقت با نسخه قابل قبولی از راهکار دو دولتی مبتنی بر مرزهای رسمی بین‌المللی (خط سبز) به همراه تبادل عادلانه و محدود اراضی».

این نظریه‌پرداز آمریکایی در پاسخ به سوالی درباره اینکه فلسطینی‌ها در قبال راهکار دو دولتی چه کاری باید انجام دهند، گفت: «در کوتاه مدت، دو گزینه وجود دارد، ۱) اجماع بین‌المللی روی (راهکار) دو دولتی، ۲) برنامه اسرائیل برای ایجاد «اسرائیل بزرگ» و ادغام هرمجایی که از کرانه باختری می‌خواهد که منجر به گرفتار شدن فلسطینی‌ها در کاتئوها غیرمعتبر و شرایط سخت خواهد شد. امکان صحبت درباره راهکار یک دولتی هم وجود دارد اما بر عکس گزینه اول، از حمایت بین‌المللی برخوردار نیست».

چامسکی با زیر سوال بردن مشروعیت مرزهای تعیین شده در سال ۱۹۴۹ (خط سبز) اظهار داشت: «زیرا آنها توسط بریتانیا و فرانسه برای منافع خودشان تحمیل شده بودند... بهترین آمیدی که می‌توان امروز برای فلسطینی‌ها داشت، ایجاد فشارهایی برای راهکار دیپلماتیک، همکاری با اسرائیلی‌ها هم‌نظر با آنها و حمایت خارجی‌ها است... مهمترین مسئله البته امریکا است و گمان می‌کنم فرصت‌های قابل توجهی برای ایجاد تغییرات مهم در سیاست‌های امریکا وجود دارد».

وی درباره شباهت مبارزه فلسطینی‌ها برای حقوق خود و مبارزه مردم آفریقای جنوبی علیه رژیم آپارتاید توضیح داد: «شباهت‌هایی وجود دارد اما تفاوت‌های مهمی نیز هست. این قیاس کامل نیست. در اسرائیل تبعیض‌های شدیدی وجود دارد اما در آپارتاید اینطور نیست. در سرزمین‌های اشغالی وضعیت بسیار بدتر از آپارتاید است. اسرائیل اساسا می‌خواهد فلسطینی‌ها از بین بروند، چیزی که یک نورم برای جوامع استعماری و اشغالگری است. این اندیشمند آمریکایی در پاسخ به سوالی درباره اینکه راهکار دولت ترامپ برای سازش و توافق قرن چیست، گفت: «آنها هیچ نشانه‌ای (از داشتن راهکار) بروز ندادند اما طبق گزارش‌ها اگر راهکاری وجود داشته باشد که نیست، احتمالا بسیار مضحک و عجیب خواهد بود. هدف استراتژیک دولت (امریکا) تحکیم ائتلاف در حال توسعه اسرائیل و کشورهای عربی جهت پیوستن آنها به تقابلش با دشمن مشترک، یعنی ایران است که هژمونی و سلطه‌طلبی امریکا در منطقه را تهدید و آزادی اسرائیل برای توسل به خشونت را محدود می‌کند».

چامسکی درباره تأثیر خروج امریکا از برجام و تداوم حملات رژیم صهیونیستی به سوریه، توضیح داد: «البته شکی نیست که ایران می‌خواهد نفوذش در منطقه را افزایش دهد، به همان شکلی که تمام قدرت‌ها خواستار آن هستند. تجاوزات امریکا (اما) فرصت‌های جدیدی برای ایران در عراق و افغانستان ایجاد کرد. ایران از دولت اسد (در سوریه) و حزب‌الله در لبنان حمایت می‌کند. این تحولات اما هرگز مورد پذیرش امریکا، اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج (فارس) نبوده است».

وی با بیان اینکه حتی سازمان‌های اطلاعاتی امریکا هم پایبندی ایران به توافق هسته‌ای را تایید کرده بودند، افزود: «خروج ترامپ از توافق (هسته‌ای) به طرز مشهودی تنش‌ها در منطقه را افزایش داد. معلوم نیست ایران با از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم پاسخ دهد. اگر این کار را کند، امریکا و اسرائیل به بهانه (ساخت بمب اتمی) حمله را نظامی، حملات سایبری و تروور دانشمندان را در دستور کار خود قرار دهند. عواقب چنین امری شوم و وحشتناک خواهد بود».

امارات بدنبال لغو قرارداد تسلیحاتی با رژیم صهیونیستی



هفته گذشته نیز منابع عبری زبان اعلام کرده بودند که صدها هزار نفر در نهمین هفته اعتراضات علیه نتانیاهو، مجدداً علیه نخست وزیر رژیم صهیونیستی و کابینه افراط گرای وی به خیابان‌ها آمده و دست به تظاهرات زدند. رسانه‌ها گزارش داده بودند که با حضور گسترده ۲۵۰ هزار نفری معترضان، رکورد اعتراضات گذشته جابجا شد و بزرگترین تظاهرات علیه نتانیاهو طی سال‌های اخیر ثبت شده است.

کابینه نتانیاهو به دنبال اجرای آن است را نشان دادند.

در حالی اعتراضات علیه سیاست‌های کابینه رژیم صهیونیستی در حال حاضر وارد دهمین هفته خود می‌شود که تحلیلگران معتقدند شدت این اعتراضات بیشتر شده است. در جریان تظاهرات شب گذشته در اراضی اشغالی تعدادی از معترضین توسط نیروهای صهیونیست بازداشت شدند.

شبکه ۷ تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد که امارات تصمیم دارد در واکنش به اظهارات اسموتریچ وزیر تندرو رژیم صهیونیستی در مورد شهرک حواره و تعرض به مسجد الاقصی، قرارداد تسلیحاتی با این رژیم را فعلاً لغو کند.

شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی هم تأکید کرد که این تصمیم امارات در واکنش به حوادث و رخداد‌های اخیر در اراضی اشغالی و ناتوانی نتانیاهو در کنترل دولت متبوعش اتخاذ شده است.

پیشت‌ر وزیر دارایی رژیم صهیونیستی اعلام کرده بود: روستای «حواره» باید از روی زمین محو شود و من فکر می‌کنم دولت اسرائیل باید این کار را انجام دهد.

این در حالی است که کمتر از یک ماه پیش، امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی از نخستین شناور نظامی بدون سرنشین ساخت مشترک در چارچوب همکاری شرکت صنایع هوایی این رژیم و گروه «ایدج» امارات رونمایی کردند. بر اساس این گزارش، رسانه‌های صهیونیست اعلام کردند که این شناور که در جریان نمایشگاه صنایع دریایی «ناودکس» در ابوظبی رونمایی شد مجهز به حسگرها و سامانه‌های تصویربرداری پیشرفته است و برای نظارت و مراقبت، شناسایی و مین یابی کاربرد دارد.

در پی روی کار آمدن تندروترین کابینه رژیم صهیونیستی، اختلافات داخلی این رژیم روز به روز بیشتر می‌شود و این رژیم بیش از پیش به سمت تنش و درگیری داخلی پیش می‌رود.

شب گذشته نیز بیش از ۳۰۰ هزار اسرائیلی در مناطق مختلف اراضی اشغالی با حضور در خیابان‌ها خشم خود نسبت به اصلاحات قضایی که



مداخلات دولتی به ضرر اقتصاد کلان است

دکتر حسن خوشپور

مدیرکل سابق سازمان برنامه‌وپودجه و کارشناس مسائل اقتصادی در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو درباره مداخلات دولتی در مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی گفت: بنگاه‌های اقتصادی در ایران به سه بخش دولتی، خصوصی واقعی و عمومی غیردولتی طبقه‌بندی می‌شوند. دکتر حسن خوشپور افزود: سهم شرکت‌های عمومی غیردولتی (خصوصی) حتی از سهم شرکت‌های دولتی هم بیشتر است و البته یک بخش هم شرکت‌های تعاونی هستند که سهم اندکی دارند.

وی ضمن اشاره به اینکه دولت سهامدار شرکت‌های دولتی است و در چارچوب نظام حاکمیت شرکی در این شرکت‌ها دخالت می‌کند درعین‌حال گفت: ازآنجایی‌که مدیریت شرکت‌های دولتی یک مدیریت حرفه‌ای نیست در نتیجه این دخالت هم حرفه‌ای نیست.

خوشپور ادامه داد: دخالت نهاد دولت و حکومت در شرکت‌های بخش خصوصی واقعی که سهمی هم در اقتصاد ندارد از طریق قوانین و مقررات مانند قانون مالیات‌ها و تجارت است؛ اما زمانی که دولت در شرکت‌های خصوصی دخالت کند منجر به ازبین‌رفتن نظام حاکمیتی این شرکت‌ها خواهد شد.

وی یادآور شد: با وجود تصویب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در دهه هشتاد هنوز هیچ اصلاحی در بخش کسب‌وکار و بنگاهداری دولتی و خصوصی صورت نگرفته و دولت همچنان در شرکت‌های خصوصی و خصوصی دخالت می‌کند.

مدیرکل سابق سازمان برنامه‌وپودجه معتقد است که دلیل اصرار دولت به دخالت در شرکت‌های دولتی، وجود گروه‌های ذی‌نفعی در بخش دولتی است که در اداره این شرکت‌ها منافع دارند یا اینکه دولت می‌خواهد معضلات اقتصادی را از طریق این شرکت‌ها حل کند.

ایشان با بیان اینکه مباحث اقتصادی و فرایند کسب‌وکار صرفاً با مسائل فرهنگی حل نمی‌شود گفت: دخالت دولت در بنگاه‌های اقتصادی و اقتصاد به‌صرفه نیست و به ضرر اقتصاد کلان کشور است؛ اما حوزه‌های فرهنگی اهمیتی به این موضوع نمی‌دهند.

وی با بیان اینکه فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد صرفاً در حوزه اقتصادی خلاصه نمی‌شود و به مسائل سیاسی هم برمی‌گردد اظهار کرد: کشورهایی که بخش خصوصی پرقدرتی دارند، بخش خصوصی آن‌ها در سیاست هم دخالت می‌کند؛ اما در نظام اقتصاد سیاسی ما، دولت علاقه‌ای به دخالت بخش خصوصی در سیاست ندارد.

خوشپور با انتقاد از اینکه نظام سیاسی ما حکمرانی اقتصادی متأثر از حکمرانی سیاسی را باور ندارد گفت: ما تا قبل انقلاب فقط ۱۶۷ شرکت دولتی داشتیم و این شرکت‌های دولتی هم عمدتاً باید دولتی می‌بودند؛ اما بعد انقلاب با مصادره‌هایی که صورت گرفت تعداد این شرکت‌ها به ۵۰۰ عدد رسید.

اسکناس در شعب و خودپردازها



مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت اقتصاد و امور دارایی در پاسخ به مطلب ۲۶ اسفندماه روزنامه اعتماد با عنوان ”چرا همچنان خودپردازها پول نقد ندارند؟“ توضیح داد: بر اساس بند ب از ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی هدف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است. بر این اساس بانک مرکزی راستای ایجاد شرایط و امکان دسترسی آسان اقشار مختلف مردم به ابزار پرداخت مناسب برای انجام مبادلات روزمره (شامل اسکناس، مسکوک و ایران چک و نیز ابزارهای پرداخت غیرنقدی) اقدام می‌کند.

بانک مرکزی از ابتدای دهه هشتاد کوشیده است تا با ایجاد انواع سامانه‌های ساتانه پایه، شتاب، شاپرک، چک‌وک و انواع کارت‌های بانکی، پایانه‌های فروش (POS) و درگاه‌های پرداخت مجازی (IPG) امکان استفاده و دسترسی آسان عموم مردم به ابزارها را فراهم کند. در حال حاضر تمامی مبادلات روزمره مردم از خریدهای خرد تا پرداخت‌های کلان با استفاده از ابزارهای پرداخت مبتنی بر فناوری‌های نوین به صورت کامل امکان پذیر شده و مورد استقبال گسترده اقشار مختلف مردم نیز قرار گرفته است.

در سال‌های اخیر با افزایش ضریب نفوذ بانکداری الکترونیک در بیشتر مبادلات مالی کشور (حتی مبادلات خرد روزمره مردم) نسبت اسکناس و مسکوک در جریان به کمتر از دو درصد نقدینگی رسیده بود با این حال در ماه‌های اخیر به دلیل بروز برخی پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی شاهد تغییر رفتار عموم مردم و تمایل بیشتر به استفاده از وجه نقد در انجام مبادلات روزمره هستیم.

با توجه به افزایش روند تقاضا برای وجه نقد در سطح جامعه که در پی طرح موضوعاتی از جمله اجرای مقررات جدید در حوزه مالیات استانی و اتصال پایانه‌های فروش به سامانه مالیاتی کشور و نیز تفکیک حساب‌های تجاری و شخصی، واکنش‌هایی را در بین صنوف مختلف در پی داشته و باعث بروز کمبودهایی به صورت مقطعی در حوزه نظام توزیع وجوه نقد کشور شده است؛ لذا بانک مرکزی با رصد و پایش مستمر وضعیت گردش وجوه نقد بانک‌ها نسبت به انتشار و توزیع انواع اسکناس و ایران چک متناسب با میزان تقاضا اقدام کرده است به طوری که حجم وجوه نقد منتشره در ۱۱ ماه نخست سال جاری بسیار بیشتر از مدت مشابه در سنوات گذشته بوده است.

گفتنی است است با توجه به نزدیک شدن به ایام پایانی سال و تعطیلات نوروز، بانک مرکزی تمهیدات و تدابیر لازم را ایجاد کرده و با آمادگی کامل به مرور اقدام به توزیع انواع اسکناس و ایران چک از طریق شبکه بانکی می‌نماید تا در ایام مذکور از بابت تامین وجه نقد مورد نیاز در شعب و خودپردازهای بانکی مشکلی برای هم وطنان به وجود نیاید.

تفکر دولتی بزرگ‌ترین مانع خصوصی سازی است



دکتر محمد حسینی

دکتر محمد حسینی نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی و کارشناس مسائل اقتصادی در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو درباره مداخلات دولتی در مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی گفت: علت فراوانی بنگاه‌های دولتی و شرکت داری دولتی در کشور این است که بزرگ‌ترین نتیجه رسیدن که اقتصاد دولتی راندمان پایینی دارد و پاسخگو نیست.

وی افزود: ما متأسفانه فقط در حرف از خصوصی‌سازی حمایت می‌کنیم؛ اما در مقام عمل آن‌گونه که باید کاری صورت نگرفته و با وجود تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، همچنان در اجرای این قانون موفق نیستیم.

مدیرعامل شرکت بین‌المللی مهندسی ایران خاطرنشان کرد: طبق بررسی‌های انجام شده بر روی تعدادی از واگذاری‌ها، ۸۵ درصد از واگذاری‌ها موفق نبوده و دلایلش هم عدم اهلیت و نبود حمایت‌های لازم از بخش خصوصی است.

عزیز محمدی همچنین ضرورت عزم و اراده جدی دولت برای حمایت از بخش خصوصی را نیز یادآور شد و گفت: ما در شرایط کنونی چاره‌ای نداریم جز اینکه اقتصاد را به سمت اقتصاد آزاد حرکت دهیم و اقتصاد را با واقعیت‌های کنونی دنیا تطبیق دهیم.

وی با بیان اینکه واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی و مردم میزان بهره‌وری و سطح اشتغال جوانان را بالا می‌برد افزود: اگر شرکی کارایی لازم را نداشته باشد باید با شرط اهلیت و حمایت به بخش خصوصی واقعی واگذار شود تا پویایی لازم را به دست بیاورد نه اینکه در همان ابتدای کار، بخش تحقیق و توسعه شرکت و واحد صنعتی را تعطیل کنیم.



نرخ ارز ریخت اما بدون آمریکا و خلاف نقشه او

قیمت دلار طی یک هفته اخیر به شکل محسوس ریزشی شد. این ریزش، دو علت داشت: یکی تدابیر تازه بانک مرکزی و دیگری تحرکات گسترده دیپلماتیک چند هفته اخیر که یک نمونه آن توافق با ریاض در متن راهبرد فراگیر دیپلماسی ایران در منطقه، بدون آمریکا و غرب بود.

برخی محافل غربگرا اصرار دارند ریزش نرخ ارز را هم به موضوع مذاکره حواله دهند و خرج گزاره ایدئولوژیک خود درباره ضرورت مذاکره و توافق با آمریکا کنند؛

این در حالی است که ریزش اخیر ارز، همزمان با جا گذاشتن آمریکا در روند تعاملات آسیایی اتفاق افتاده؛ و نه رفتن به سمت مذاکره و توافق با آمریکای عهد شکن. نیویورک تایمز درباره توافق ایران و عربستان به صراحت نوشت: «آمریکا بیرون از اتاق مذاکره ماند».

بله دیپلماسی هم می‌تواند در کاهش التهابات ارزی موثر باشد، اما نه با رفتن زیر سایه و فشار و مدیریت آمریکا، بلکه روند مثبت اخیر با جا گذاشتن آمریکایی رخ داده که از اواخر شهریور ماه به واسطه کلید زدن اغتشاشات و فشار به کشورهای مانند عراق، سعی داشت بی ثباتی روانی و بحران ارزی- اقتصادی تولید کند.

ضمناً مذاکرات هسته‌ای (برجامی) وین، قریب یک سال است که تعطیل شده، اما بحران اخیر ارزی، از اوایل پاییز امسال، مقارن با اوج گیری اغتشاشات پدید آمد.

اجمالاً این که می‌توان با دیپلماسی منطقه‌ای در ابعاد سیاسی و اقتصادی و ارزی هم بر ابعاد خارجی چالش ارزی فائق آمد و نباید سراغ آدرس انحرافی «بستن به هر قیمت با آمریکا» رفت. گفتنی است صادرات نفت ایران هم به تازگی به بالاترین سطح ظرف چهار سال گذشته رسیده است.

این روند، درست خلاف روند شرطی‌سازی و وابسته‌سازی در برجام است و تعمیق و گسترش آن، می‌تواند نقش مهمی در تنوع بخشی و با ثبات سازی اقتصاد کشور ایفا کند.

افزایش ۲۰ درصدی تجارت ایران و عراق در ۱۱ ماه ۱۴۰۱

سید احسان خاندوزی در یک بخش خبری سیما با بیان اینکه سیاست دولت مبنی بر دیپلماسی همسایگی و منطقه‌ای در سال گذشته، آرام آرام به ثمر نشسته است، اظهار کرد: در مراودات تجاری خود با عراق در ۱۱ ماه امسال، شاهد ۲۰ درصد افزایش تجارت بین دو کشور هستیم.

وزیر امور اقتصادی و دارایی افزود: تلاش شد که در پنجمین کمیسیون مشترک ایران و عراق، برخی از موانع را رفع کنیم از جمله در حوزه انرژی بحث‌های مربوط به برق و آب، طرح‌های مشترکی که برای سرمایه‌گذاران کشور وجود داشت، همچنین در حوزه ترانزیتی حل و فصل مسائل کریدوری بین ایران و عراق، خط آهن شلمچه –بصره در حوزه شهرک‌های صنعتی، سه شهرک صنعتی در نقاط مرزی مشترک بین دو کشور و همچنین در برخی موانع مالی و بانکی موجود مورد بحث قرار گرفت که نتایج و قدم‌های خیلی خوبی با زمان بندی مشخص و دقیق مورد توافق قرار گرفت.

خاندوزی ادامه داد: بعد از کمیسیون مشترک در دیدار با نخست وزیر عراق، سرعت بخشیدن به اجرای این مصوبات مورد تأکید قرار گرفت و پیام رئیس جمهور به ایشان به شکل شفاهی بیان شد.

وی اضافه کرد: همچنین در دیدار با فعالان اقتصادی که در عراق دچار برخی موانع و مشکلات بودند هم در صادرات خدمات فنی و

مهندسی و هم در سایر رشته فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری و البته تجارت، فهرستی از این مشکلات احصا شد که با رئیس عراقی کمیسیون مشترک که وزیر صنعت عراق است آن‌ها را مطرح کرد؛ برخی هم که ناظر بر شرایط داخلی ایران بود مقرر شد از طریق پیگیری‌های شبکه بانکی کشور، حوزه گمرکی، مالیاتی و دیگر حوزه‌ها، به سرانجام برسد.

احتمال ورشکستگی

سومین بانک در آمریکا

آمریکادرآستانه فروپاشی بزرگ اقتصادی

سقوط بانک سیلیکون ولی و بانک سیلورگیت در ۴۸ ساعت گذشته سیستم مالی ایالات متحده را در بحبوحه عدم اطمینان اقتصادی قرار داده است.

رابرت کیوساکی یکی از کارشناسان خبره اقتصادی در این رابطه گفته است که، انتظار می‌رود این وضعیت بدتر شود، او در ۱۰ مارس توییت کرد که این وضعیت به نفع فلزات گرانب‌ها خواهد بود.

او همچنین درباره سقوط بالقوه سومین بانک ایالات متحده یعنی بانک لیمن برادرز (Lehman Brothers) هشدار داد.

پیتر شیف، اقتصاددان نیز به دارندگان ارزهای دیجیتال هشدار می‌دهد که سیستم بانکی ایالات متحده در آستانه یک فروپاشی بزرگتر از بحران سال ۲۰۰۸ است و برداشت‌های انبوه وجوه توسط سرمایه‌گذاران می‌تواند باعث ورشکستگی بانک‌ها شود.



سکوت دوددهای حاکمیت در قبال موسیقی

دکتر نادر جعفری

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) با حضور در برنامه ارغنون رادیو گفت‌وگو با بیان اینکه در فضای فرهنگ به چیزی سند و سیاست مدون می‌گویند که به‌عنوان یک ابزار در حوزه کاری مورد استفاده قرار گیرد، گفت: از طریق این ابزار کارکردهایی را دنبال می‌کنیم، مثلاً بین نهادهای مختلف می‌توان هماهنگ‌هایی را صورت داد و اولویت‌هایی که حاکمیت در نظر دارد را در تعامل با مصرف‌کننده و مخاطبان تولیدات فرهنگی مدیریت نمود.

نادر جعفری با بیان اینکه خط مشی و سند در زمینه فرهنگ و موسیقی می‌تواند به مسئله شناسی بیانجامد، گفت: مثلاً در زمینه سند موسیقی انتظار داریم مسائل اصلی مرتبط با موسیقی شناسایی شده و دسته‌بندی و طبقه‌بندی گردد. از طرفی در سند موسیقی باید راهکارهای تحقق اهداف و رفع مسائل دیده شود؛ لذا آن‌چه به‌عنوان سند دنبال می‌شود، در زمینه موسیقی و سایر حوزه‌های هنر، کارکردهایی را اجرایی خواهد کرد.

به گفته جعفری ایران نیز به‌سان بسیاری کشورها، سرمایه‌گذاری و بودجه‌های قابل توجهی را برای هنر صرف می‌کند و مدیران نیز می‌خواهند این هزینه‌ها تابع جهت‌گیری‌هایی باشد و این مسئله، از کارکردهای سند موسیقی است.

این دکترای تخصصی فرهنگ و ارتباطات در پاسخ به این پرسش اساسی که هم‌اینک از سند موسیقی کشور چه خبری در دست می‌باشد، گفت: ابتدا نیاز به یک سیر تاریخی داریم تا شناخت بهتری به دست آید.

وی یادآوری کرد: اولین سند کلان فرهنگی کشور پس از انقلاب که انتظار می‌رفت به یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ – موسیقی – بپردازد، با نام اصول سیاست‌های فرهنگی کشور تدوین شد که به سال ۱۳۷۱ باز می‌گردد. این سند بندهای اولویت دار حوزه فرهنگ را در اختیار مسئولان قرار می‌دهد و ۵۰ اولویت نیز در حوزه فرهنگ برشمرده شده و تنها اشاره به موسیقی یک بند را به خود اختصاص می‌دهد و آن هم به استودیوهای بزرگ موسیقی مرتبط است که احتمالاً ذیل ساختارِ وقتِ وزارت ارشاد می‌باشد.

جعفری در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو، ادامه داد: بعد از این سند تا ۲۰ سال، هیچ سند بالادستی مرتبط با موسیقی نداشتیم و طی دو دهه سکوت حاکمیت را نسبت به موسیقی آن هم به صورت شفاف و رسمی شاهد بودیم.

وی افزود: از آن پس نقشه مهندسی فرهنگی کشور در سال ۹۲ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب که پس از فرایندی ۶ ساله ابلاغ شد و به حوزه‌های مختلف و هنر ورود کرد.

تماشاگران اسکار ۱۲ درصد بالاتر



آمار تماشاگران اسکار امسال ۱۸۷ میلیون نفر بود که به معنی ۱۲ درصد بالاتر از سال پیش است.

در نود و پنجمین دوره مراسم اسکار «همه چیز همه جا یک‌باره» با کسب ۷ جایزه از مراسم بیرون رفت. اجرای این مراسم را جیمی کیمل برای سومین بار برعهده داشت. وی آخرین بار سال ۲۰۱۸ میزبان این برنامه شده بود.

این مراسم یک رقیب سخت تلویزیونی داشت که پخش هم‌زمان «آخرین بازماندگان» در اچ‌بی‌ای بود.

در همین حال تصاویری از منزل واشینگتن و اسپایک لی که در همان زمان به تماشای مسابقه لس‌آنجلس لیکرز در ورزشگاه کریپتو آرنا رفته بودند تا بازی بسکتبال را از نزدیک ببینند خبرساز شد.

مراسم سال پیش اسکار را ۱۵۳۶ میلیون نفر تماشا کردند. البته برنامه سال پیش را ۱۶ میلیون نفر هم به صورت ویدیویی در توئیتر و یوتیوب تماشا کرده بودند.

اسکار ۲۰۲۳ از ساعت ۸ شب (به وقت محلی) به صورت زنده پخش شد و تا ساعت ۱۱:۳۹ ادامه داشت.

آمار تماشاگران اسکار در سال‌های اخیر بسیار پایین آمده و سال ۲۰۲۱ با ۱۰۵ تماشاگر به پایین‌ترین حد خود رسیده بود.

بزرگ‌ترین رکورد تماشای اسکار مربوط به سال ۱۹۹۸ است که ۵۵۳ میلیون نفر به صورت مستقیم به تماشای آن نشستند. در آن سال «تایتانیک» بهترین فیلم شد. تا سال ۲۰۱۴ اسکار مخاطبی ۴۳۶ میلیون نفری را حفظ کرده بود و آن سال «۱۲ سال بردگی» به عنوان برنده انتخاب شد. آخرین باری که رقم تماشاگران اسکار بیش از ۳۰ میلیون نفر بود سال ۲۰۱۷ بود که «مهتاب» برنده شد و ۳۳ میلیون نفر مراسم را به صورت مستقیم تماشا کردند.

آخرین باری که آمار تماشاگران بالای ۲۰ میلیون نفر بود هم قبل از شروع کووید و برنامه سال ۲۰۲۰ بود که ۲۳۶ میلیون نفر آن را تماشا کردند و سال پیروزی «انگل» بود.

سوره‌آفلین روایتی متفاوت از روزهای انقلاب



رقیبه زهرا پرندآور

■ **نشست نقد و بررسی رمان «سوره آفلین» نوشته ابراهیم اکبری دیزگاه در راستای مجموعه نشست‌های «روایت داستانی از امر قدسی» به همت گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با حضور احمد شاکری، محمدرضا جوان‌اراسته، دکتر محمدرضا سنگری و نویسنده اثر برگزار شد.**

در ابتدای این نشست دکتر احمد شاکری، عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: انقلاب اسلامی به واسطه مبانی اسلامی، رهبریت مرجع دینی و ارزش‌ها و آرمان‌های بلند انسانی، واقع‌ای قدسی است. ادبیاتی که به این واقعه می‌پردازد می‌تواند با توجه به اجزاء و جوانب این واقعه و کنشگران آن، این حقیقت را آشکار کند. مرحله نخست در این مسیر روایت واقع‌نگرانه به این رخداد و گام دوم، قدرت‌روایی و نمایشی در انتقال آن به مخاطب است. سوره آفلین، به واسطه توجه به موضوع انقلاب اسلامی در گونه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی می‌گنجد. اما به واسطه رویکرد معنایی، انتخاب شخصیت و هدف نمایشی از این هدف فاصله گرفته است. از جمله خصوصیات این داستان فاصله گرفتن از مولفه‌های ادبیات واقع‌گرا است. بخشهایی از داستان بدون تمهید مدمات و جعل واقعیت درونی از ساحت واقعیت خارج شده و عالم وهم را وارد جهان داستانی شخصیت اصلی می‌کند. وهمی تلخ و سیاه که خلیل بارها در وصف آن از تعبیر "دیوانگی" یاد می‌کند. «امشب ۱۲ بهمن ۱۳۵۷» مردم دیوانه شده اند انگار» یا «[خطاب به انقلابی‌ها] همه ما نفرین شده ایم. همه ما» سگی که آینده را پیش بینی می‌کند. مرانی که به گریه تبدیل می‌شوند. مردی که در دوشش ماریای روییده اند از جمله این مقولات هستند.



وی ادامه داد: شخصیت اصلی داستان "خلیل" نامی است که گرایش آشکاری به انجمن حجتیه دارد و در طول داستان دلش با انقلابیون نیست بلکه با عمل آنها مخالف است و دائماً با تعبیر "ارامت‌ر انقلاب کنید" آنها را هشدار می‌دهد. زاویه دید داستان تنها بر ذهنیت و عینیت خلیل تمرکز می‌کند و به صورت طبیعی تصویر خاص عمل و اندیشه خلیل را در جهان داستان برجسته می‌کند. تصویری که راوی با تمرکز بر خلیل از انقلاب اسلامی ارائه می‌کند با واقعیت انقلاب اسلامی تطبیق ندارد. انقلاب در این تصویر، حرکتی احساسی و پر شور است که از عقلانیت و منطق لازم برخوردار نیست. نویسنده از زبان شخصیت‌های متعددی که خلیل در خیابانهای تهران با آنها مواجه می‌شود این مضمون را تکرار می‌کند که اگر امام بیاید همه مشکلات حل می‌شود و ایران بهشت می‌شود. گویا مردم به دنبال ایده‌ای ذهنی و غیر قابل تحقق و رویایی شیرین در حرکت هستند که امکان تحقق ندارد. وجه دیگر تاکید داستان بر وجوه خشونت‌آمیز انقلاب است. مردمی که به دنبال پاسبان‌ها و ساواکی‌ها افتاده‌اند و قصد کشتن آنها را دارند و این جزو بارزترین اوصاف انقلابی است که در حال انجام آن هستند. با چنین تصویری "آفلین" که به معنای غروب کنندگی و ناپایداری است با چه گروه‌ای وصفی قابل تطبیق است؟ در یکی از تفاسیر می‌توان آفلین را به همان تصورها و ارمانهایی نسبت داد که مردم به دنبال آن هستند. «فردا آقای خمینی آمد چه می‌شود. همه مردم خوب می‌شوند. نماز خوان می‌شوند. راست گو می‌شوند. هیچ کس دزدی نمی‌کند. دغل نمی‌کند. حق کسی را نمی‌خورد. همه پول نفتشان را می‌گیرند و زندگی می‌کنند. اگر همه خوب بشوند ایران بهشت می‌شود.» طبعاً خواننده‌ای که در دهه پنجم انقلاب اسلامی این رمان را می‌خواند نه تنها این خیالات را تحقق یافته نمی‌یابد بلکه چنین تصویری از سوی انقلابیون را کودکانه می‌پندارد. اما در شب ۱۲ بهمن که مردم منتظر آمدن "آقای خمینی" هستند خلیل یعنی شخصیت اصلی داستان چه می‌کند؟ او نه تنها با انقلابیون نیست بلکه به دنبال این است که پسرش اسماعیل را از میان انقلابی‌ها پیدا کند و به خانه ببرد تا اتفاق ناگواری برایش نیفتد.

شاکری افزود: نویسنده تلاش داشته با بیان نشانه‌های متعدد



فصل توت‌های سفید

داستان زبانی که جهان خود را تغییر دادند

■ **داستان زندگی «فروغ» در «فصل توت‌های سفید» ممکن است داستان زندگی هر کدام از مخاطبان این کتاب باشد که بر سر دوراهی خواست جامعه یا تدبیر و اختیار خود قرار گرفته است. انتشارات مؤسسه شهرستان ادب به تازگی کتاب «فصل توت‌های سفید»، اثر عدرا موسوی را منتشر کرد و در دسترس علاقه‌مندان به حوزه ادبیات داستانی قرار داد.**

کتاب جدید موسوی داستان زنی را روایت می‌کند که هرچند متعلق به روزگار نزدیک به ماست، اما در واقع تصویری است از تکامل زن ایرانی در جریان تاریخ. زنی که تلاش کرده است در دو راهی‌های مهم زندگی خود منفعل نباشد و پخته‌تر و سنجیده‌تر عمل کند.

«فصل توت‌های سفید» داستان زندگی «فروغ» را روایت می‌کند، اما گاه گذری نیز بر وقایع تاریخی دارد. شخصیت اصلی در بازه زمانی داستان، بر سر یک دوراهی قرار می‌گیرد؛ نمی‌داند به سمتی حرکت کند که جامعه او را به آن سمت می‌کشاند یا به مسیری حرکت کند که برخلاف آن است. از این منظر، داستان زندگی فروغ می‌تواند داستان زندگی هر کدام از آدم‌هایی باشد که پای ماجرای او نشسته و با او همراه شده‌اند.

در معرفی این اثر آمده است: اتهام گناه به یک زن از موضوعات همیشه پر طرفدار ادبیات داستانی است و تلاش قهرمان برای میرا کردن خود، چالشی است که خوانندگان را با این دسته از آثار همراه می‌کند. فروغ در روایتی از روزهای دهه ۵۰، بنا بر گذشته پیچیده‌ای که داشته، با اتهامات سنگین و طرد اجتماعی مواجه می‌شود و «بهرورز» بی‌رحمانه در پی آن است که شکستی ابدی برای او رقم بزند.

در این میانه «امیر» فداکارانه

و سلحشورانه به حمایت از او برمی‌خیزد. علاقه‌مند شدن تدریجی فروغ به متن زندگی امیر، سبب می‌شود که فروغ با کنجکاوی وارد ماجراهایی در ارتباط با سرنوشت امیر شود. «فصل توت‌های سفید» اثری است با چند محور که نویسنده سعی دارد با بیان جزئیات عاطفی و روایی، وحدتی پذیرفتنی بدان ببخشد.

موسوی، نویسنده این اثر، در گفت‌وگویی درباره انتخاب بازه زمانی دهه ۵۰ برای روایت داستانش گفت: فکر می‌کردم باید داستانی با موضوع انقلاب بنویسم؛ در واقع این بازه تاریخی برای من مهم بود. از سوی دیگر، داستانی که در ذهنم پرورش داده بودم، حتماً باید در آن برهه تاریخی رخ می‌داد. از آنجا که تاریخ یک رشته به هم پیوسته است و منقطع نیست و هر پدیده‌ای در پدیده دیگر مؤثر است؛ بنابراین ناگزیر می‌شدم که گاه نقبی به تاریخ بزنم.

وی با بیان اینکه برای روایت این دوره تاریخی، نیازمند پژوهش و استفاده از تجربیات دیگران بود، افزود: هر منبعی که من را می‌توانست به آن سمت ببرد، در این مسیر مطالعه کردم. هم نسبت به کتاب‌های داستانی که مطالعه می‌کردم، بی‌تفاوت نبودم و هم نسبت به منابع تاریخی و پژوهشی؛ به همین دلیل یک آورده قابل اعتنایی را برای خود فراهم کردم.

نویسنده کتاب «فصل توت‌های سفید» درباره دایره گسترده واژگان، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات در این کتاب برای شخصیت‌های متعدد کتاب نیز توضیحاتی داد و اضافه کرد: پرورش داستان، نیازمند پرداختن به زبان نیز هست؛ با توجه به همین امر تلاش کردم زبان شخصیت‌ها را هم متناسب با آنها بسازم و با توجه به شخصیت‌ها، دایره واژگانی آنها را تعیین کردم. موسوی به نقش و عملکرد متفاوت زنان داستانش اشاره کرد و گفت: تاریخ یک رشته به هم پیوسته است. وقتی فروغ با دختر لهستانی برخورد می‌کند، ذهنش به ماجرای حضور لهستانی‌ها در ایرانی‌ها برمی‌گردد. در برهه‌ای از تاریخ ایران برنامه‌ای برای حضور در جنگ نداشته است، اما کسانی که جنگ را مدیریت می‌کنند، ایران را وارد بازی می‌کنند که هیچ تمهیدی برای آن نیندیشیده است؛ بنابراین کشور از هر طرف که ایران را گوشت قربانی کرده‌اند، ضربه می‌خورد.

وی ادامه داد: برخی از زنان نمی‌توانند حرکت جدی در این مسیر از خود بروز دهند. وقتی جنگ تمام می‌شود و سربازان به سراغ زندگی خود می‌روند، همچنان تعدادی از زنان نیز در پوسته منفعل خود باقی می‌مانند و سرنوشت زنان پس از خود را نیز رقم می‌زنند. اما وقتی فروغ با این موضوع مواجه می‌شود، فکر می‌کند که اگر متفاوت عمل نکند، شاید سرنوشتش مانند این دسته از زنان شود؛ بنابراین او تصمیم می‌گیرد که یک وجه دیگری از زنانگی خود را نشان دهد؛ بنابراین دست به عمل می‌زند و تلاش می‌کند سرنوشت خود را به شکل دیگری رقم بزند.

کتاب «فصل توت‌های سفید» از سوی انتشارات شهرستان ادب در ۱۷۵ صفحه و به قیمت ۸۸ هزار تومان منتشر شده است. (تسنیم)

تأمل انتقادی بر اقتدارگرایی تمدنی و دفاعیه‌ای از رویکرد فرهنگ گرایانه به تمدن نوین اسلامی

فرهنگ حاکمان باید تمدنی شود

دکتر احمد واعظی

◀ به پیام‌های «انسان‌ساز و جامعه‌ساز» دین توجهی ویژه داشته باشیم

حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد واعظی در سخنرانی با عنوان «تأمل انتقادی بر اقتدارگرایی تمدنی و دفاعیه‌ای از رویکرد فرهنگ گرایانه به تمدن نوین اسلامی»، اظهار داشت: وقتی صحبت از تمدن نوین اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌شود، پارادایمی در اذهان به خصوص اذهان کسانی که از تمدن نوین اسلامی دفاع جدی می‌کنند، شکل می‌گیرد و آن پارادایم این است که فرایند ایجاد تمدن اسلامی یک فرایند عمودی است یعنی یک فرایندی از بالا به پایین است و در واقع اقتدارگرایی حاکمیتی و توان نهفته در حکمرانی اگر به درستی به خدمت گرفته شود و با اقتدار توأم باشد، مسیر تأسیس تمدن شکل می‌گیرد.

به تعبیر دیگر اعتقاد به اینکه تحقق مولفه های قدرت برای یک جامعه است که می تواند آن جامعه را متمدن کند و اگر می گوئیم تمدن نوین اسلامی یعنی باید حرکت کنیم به سمت اینکه مولفه های قدرت را در جامعه اسلامی ایجاد کنیم؛ این مولفه های قدرت اعم از قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، تسلط هژمونیک بر منطقه و حوزه روابط سیاسی تا اطاعت پذیری از نظم اجتماعی حاکم، و تقویت انقیاد اجتماعی نسبت به اقتدار سیاسی است. یعنی رویکرد اقتدار گرایانه به امر تمدن و این که تمدن را یک فرایند از بالا به پایین یا یک فرایند عمودی ببینیم.

اگر باز بخواهم تفنن در تعبیر داشته باشم، می‌توانیم بگوئیم این پارادایم در واقع امر تمدن و تمدن سازی را یک بر ساخت حاکمیتی می‌کند، یعنی ایجاد تمدن یک امر نفویض شده به حوزه قدرت سیاسی است و مطالبه تأسیس تمدن اسلامی یک مطالبه ای است که باید سمت و سویش متوجه حاکمیت باشد و حاکمیت اگر بخواهد درست و حسابی باشد باید حاکمیتی باشد که کارویژه آن احداث تمدن است و به دنبال ایجاد آن مولفه های قدرتی باشد که برآیند آن مولفه های قدرت اگر همه جانبه محقق شد، تمدن نوین اسلامی شکل می‌گیرد. تاکنون متفکری تمدن نوین اسلامی را اینگونه تئوریزه نکرده است؛ در عین حال باید توجه داشت که این پارادایم در پس ذهن تمام کسانی است که مسئله تمدن اسلامی را مطرح می‌کنند و هیچ عطف توجهی به حوزه فرهنگ و اینکه بار اصلی تمدن سازی بر دوش آحاد جامعه است، وجود ندارد. وقتی توجهی به این امر ندارند یعنی در غیبت کامل هستند نسبت به آنچه در عینیت و اذهان جامعه یا به اصطلاح در فرهنگ جامعه می‌گذرد و معتقدند واقعیت های عینی جامعه فقط و فقط معطوف به مولفه های قدرت هستند و بر اساس آن امارات تأسیس تمدن نوین اسلامی را نزدیک و نزدیکتر می‌دانند چرا که شاهدند در این زمینه ها یک حوزه اقتداری حاصل می‌شود.

▶ نهادسازی مناسب لازمه تأسیس تمدن نوین اسلامی

در پس ذهن چنین تصور اقتدار گرایانه ای از مقوله تأسیس تمدن اسلامی ولو آن را تئوریزه و به اصطلاح تئوریک نکرده باشد، ممکن است بگوئیم این تصویری که از این پارادایم ارائه شد، خیلی رادیکال و سخت‌گیرانه است لذا می‌توان تقریر معتدل تری از این پارادایم اقتدار گرایی تمدنی، ارائه کرد؛ با حفظ این نکته که مقوله ساخت تمدن و تأسیس تمدن اسلامی را یک بر ساخت حاکمیتی بدانیم و بیان اینکه تقویت اقتدار حاکمیتی و به جنگ آوردن مولفه های قدرت و این که امر تأسیس تمدن اسلامی یک بر ساخت حاکمیتی لازم، اما کافی نیست؛ یک وجه نرم افزاری دیگری هم لازم است که آن مسئله «نهادسازی مناسب» است.

▶ نهادسازی باید با انگیزه‌های جامعه پیوند بخورد

بار به دوش حاکمیت است، اما حاکمیتی که نخواهد به هر وسیله ای مولفه‌های قدرت را تحکیم ببخشد بلکه در عینیت جامعه و در حوزه اقتصاد، روابط اجتماعی و سیاسی نهادسازی های مناسب کند که این نهادسازی در واقع یک امر نرم افزارانه است. تفسیر «نهادسازی مناسب» قرائت معتدل تری از آن پارادایم ارائه می‌دهد، اما ادعای من این است که حتی این تفسیر معتدله که امر تمدن سازی نوین اسلامی را فقط و فقط در مولفه های قدرت در ابعاد مختلف نمی‌بیند و معطوف به وجه نرم افزارانه تمدن (عبارت از نهادسازی) است، اما با این حال با یک مشکل جدی روبرو است و آن مشکل این است که در هر جامعه، نهادسازی باید با انگیزه‌های جامعه پیوند بخورد.

▶ هنوز با حقیقت دموکراسی و مردم سالاری فاصله داریم

مردم سالاری بعد از انقلاب با قبل از انقلاب، قابل مقایسه نیست، ولی هنوز خیلی فاصله داریم. هنوز هم فرهنگ سیاسی احزاب سیاسی، فرهنگ سیاسی نجبگانی، فرهنگ سیاسی حاکمان و کارگزاران، فرهنگ سیاسی مردم و آگاهی های اجتماعی متناسب، با شکل مطلوب، فاصله دارد.

آنچه بنده از آن دفاع می‌کنم این است که باید به تمدن نوین اسلامی، رویکرد فرهنگ گرایانه داشته باشیم، این رویکرد فرهنگ گرایانه در واقع، مرکز ثقل امر تمدنی را روی دوش آحاد جامعه قرار می‌دهد و طبقات مختلف جامعه را متوجه پیش نیازهای نرم‌افزارانه تمدنی و لزوم فرهنگ سازی می‌کند. مسئله کارکردهای حاکمیت در سر جای خودش مهم است یعنی احدی نمی‌تواند منکر این شود که تمدن ساحت های مختلفی دارد، بخشی از مسئله تمدن سازی بر می‌گردد به جهت گیری های نهادهای مختلف قدرت سیاسی در



این که به سمت آن اهداف و آرمان ها و جهت گیری ها حرکت کنند. بنابراین ما در عین حال که معتقدیم مقوله تمدن سازی وجه بالا به پایین دارد، دارای وجه عمودی نیز هست. رویکرد تمدنی باید بر فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حکومت و برنامه‌ریزی‌ها و تدوین قوانین و مقررات و نهادسازی‌های اجتماعی حاکم باشد. در واقع اینگونه نیست که بگوئیم ما فقط با مقوله فرهنگ و کار فرهنگی به دنبال تمدن نوین اسلامی هستیم چرا که مقولات مربوط به حکمرانی و انجام وظایف حاکمیتی، وجه بالا به پایین هم دارد، اما مسئله ای که می‌خواهم عرض کنم مسئله «وزن دهی» است، ما چقدر به اقدامات حاکمیتی و مقوله فرهنگ سازی وزن دهی کردیم؟!

فرهنگ حاکمان، کارگزاران، تصمیم گیران و تصمیم سازان باید تمدنی شود و مردم و بدنه مردم و اقشار مختلف مردم که رکن اساسی تمدن‌سازی است، اگر در باور، اندیشه، گرایش و نظام ارزشی همسو و همراه با اقتضات تمدنی نوین نباشند، حقیقت پیشرفت تمدنی حاصل نمی‌شود.

مطالعات معطوف به تمدن نوین اسلامی ابعاد بسیار متنوعی دارد و آسیب‌شناسی وضعیت کنونی جامعه به لحاظ تمدنی تا عرصه‌های مربوط به فرهنگ‌سازی تمدنی و حوزه‌های مربوط به جهت حاکمیتی تمدن‌ساز، ضروری است. (شفقتا)

چرا زود باور می‌شویم؟!



مصباح دید. بروز شبهات دوم خرداد و اشاعه قرائت‌های خاص از دین مثل روشنفکری و سیاست مثل سکولاریسم، بستر پاسخ‌گویی و تبلور شخصی چون ایشان را فراهم آورد که به برکت این حضور آثار مختلف در حوزه‌های گوناگون شد. ردادی در پایان گفت: واقعیت امر این است که ما اصلا و ابدا آن‌طور که باید از این فرصت شبهه در اتفاقات اخیر استفاده نکردیم. بلوای ۱۴۰۱ می‌توانست فرصتی باشد تا رابطه ضعیف مردم با صداوسیما تقویت شود، اما صداوسیما برای پاسخ به شبهات با تقریر ناقص از شبهات و نقد همان چیزی که بیان کرده است نتوانست اعتماد عمومی را به خوبی جلب کند. بهره‌گیری از مغالطه پهلوان پنبه که بعضا در رسانه‌ها دیده می‌شود اصلا امر مطلوبی نیست، چرا که موجبات کلیشه‌گویی و سطحی‌بینی را فراهم می‌کند. باید گذاشت شبهه کامل تقریر و بیان شود و سپس آن را پاسخ گفت؛ به نظر می‌رسد برخی از مسئولین به حقانیت تفکر انقلاب اعتماد ندارند و نوعی ترس از پاسخ‌گویی وجودشان را گرفته. من می‌گویم به فرض در شبکه ملی ده دقیقه تریبون به برخی چهره های منتقد هم داده شود و آن‌ها حرف خودشان را بزنند، آیا جمهوری اسلامی توان پاسخ گفتن به این‌ها را ندارد؟ باید فضای طرح سؤال و شبهه ایجاد شود و ترسی از این بابت نداشته باشیم.

شفاف و به دور از کلیشه‌گویی بگوید. اگر این اتفاق از سوی حاکمیت رخ ندهد تل انبار شدن سوالات و شبهات عملاً ذهن مردم را تسخیر کرده و با عرض پوزش باید بگویم آنان را به ورطه حماقت می‌کشاند! سر قضیه مسمومیت دختران مدرسه‌ای برخی می‌گویند کار نظام است! به تعبیری جمهوری اسلامی که تازه از بحران پاییز ۱۴۰۱ بیرون آمده است به دنبال بلوای جدید است تا مردم به خیابان‌ها بیایند و بار دیگر فضای کشور امنیتی بشود!

پژوهشگر حوزه انقلاب اسلامی گفت: در وهله اول دولت و حاکمیت باید «پاسخ‌گو بودن» به مردم را بی‌پذیرد؛ یعنی در بزنگاه‌های حساس با حضور فراگیر رسانه‌ای سوالات و شبهات را پاسخ بگوید و سعی کند شبهه و ابهام را به‌جای استفاده از روش‌های مرسوم قضایی و امنیتی از راه اقناع جمعی رفع کند. مرحله بعد که سطح مردمی است فشارهای مختلف مردمی باید به میدان بیایند. تصویری که معمولاً در بین حزب‌اللهی‌ها رایج است این است که دولت خود سوالات و شبهات را پاسخ می‌گوید و نیازی به ما نیست اما اساساً بستر و نعمت بودن شبهه به همین امر برمی‌گردد که فرصت است تا افراد از تضارب آرا استفاده کنند تا طریق و روش صحیح شناخته شود. به تعبیر امیرالمؤمنین «هر کس از نظرات مختلف استفاده کند خطاها و راه درست را می‌شناسد». وی افزود: نمونه‌ای از این سطح را باید در شخصیت مرحوم علامه



شبکه‌های اجتماعی؛ دشمن سلامت روان کودکان

نتایج تحقیقات فایننشال تایمز، حاکی از آن است که بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰، میانگین نوجوانان بریتانیایی که نسبت به خود احساس منفی داشتند، بین ۶ و ۴ درصد متغیر بوده؛ اما این آمار از سال ۲۰۱۰ بیش از دو برابر شده است. از سوی دیگر، طی سال‌های اخیر، تعداد افرادی که خود را شکست خورده می‌دانند، بی‌دلیل نگران هستند و از زندگی خود ناراضی‌اند نیز به شدت افزایش یافته است.

این آمار برای اغلب کشورهای جهان صادق است. تعداد دانش آموزان دبیرستانی ایالات‌متحده که تصور می‌کنند زندگی‌شان بی‌معنی است در ۱۲ سال گذشته افزایش یافته است. میزان افسردگی در بین جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله فرانسه در دهه گذشته چهار برابر شده است.

داده‌ها نشان می‌دهند که نقطه آغاز فروپاشی سلامت روان جوانان سال ۲۰۱۰ و همزمان با فراگیری گوشی‌های هوشمند است. تئوری تأثیر مخرب حضور در رسانه‌های اجتماعی و استفاده از اقلام دیجیتال که ۲۴ ساعت شبانه روز و ۷ روز هفته در دسترس کاربران هستند، اتفاق تازه‌ای نیست. مدافع اصلی این تئوری ژان تونگ، استاد روانشناسی دانشگاه ایالتی سن‌دیگو و نویسنده ده‌ها مقاله پژوهشی در این زمینه است.

با این حال، تئوری یاد شده تا پذیرش جهانی راهی طولانی در پیش دارد. گاهی کارهای تونگ و جانانان هایت مورد انتقاد قرار گرفته است؛ اما بسیاری از کارشناسان معتقدند که شواهد مؤید استدلال‌های آن‌ها در طول سال‌های اخیر افزایش یافته است.

از جمله این شواهد، جایگزینی معاشرت دیجیتالی با حضور در اجتماعات است. آمار نشان می‌دهد تعداد نوجوانان آمریکایی که بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ کمتر از یک بار در ماه با دوستان خود ملاقات می‌کردند، تنها ۳ درصد بود؛ اما این آمار از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ به ۱۰ درصد رسیده است. این در حالی است که ۴۶ درصد افراد در جهان امروز، به صورت مداوم آنلاین هستند.

بر اساس مطالعات صورت گرفته، وخامت وضعیت سلامت روان نوجوانان با زمان استفاده آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی، نسبتی مستقیم دارد. گزارش‌های آماری حاکی از آن است که سلامت روان دختران از آن جهت که زمان بیشتری را نسبت به پسران در رسانه‌های اجتماعی می‌گذرانند، وضعیت نامساعدتری دارد.

تفاوت نرخ افسردگی میان طرفداران دیدگاه‌ها و احزاب سیاسی گوناگون نیز شرایط مشابهی دارد. برخی معتقدند که فرزندان خانواده‌های لیبرال به دلیل نگرانی دائمی نسبت به بی‌عدالتی، افسرده‌تر از فرزندان خانواده‌های محافظه‌کار هستند؛ اما تحقیقات نشان می‌دهد جوانان لیبرال زمان بیشتری را نسبت به جوانان محافظه‌کار در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند.

برخی معتقدند که آمار نگران‌کننده در مورد سلامت روان نوجوانان، ناشی از افزایش امکان بحث در مورد اختلالات روانی در بستر جوامع مدرن است و ارتباطی با افزایش شیوع آن‌ها ندارد. این در حالی است که طبق آمار، نوجوانان بریتانیایی که روزانه پنج ساعت از زمان خود را در رسانه‌های اجتماعی می‌گذرانند، دو تا سه برابر بیشتر از همسالان خود در معرض خطر آسیب به خود هستند. در ایالات‌متحده نیز شرایط مشابهی حکم‌فرما است.

نتایج تحقیقات بسیاری نشان می‌دهد کاهش زمان فعالیت در رسانه‌های اجتماعی سلامت روان را بهبود می‌بخشد. به عقیده بسیاری از متخصصان، «آموزش فرزندان و والدین» اصلی‌ترین راهکار موجود برای حفظ سلامت کودکان در برهه حساس کنونی محسوب می‌شود. با این وجود، تجربه ترویج خوراکی‌های مضر و استعمال دخانیات در جامعه نشان داده است که کمپین‌های اطلاع‌رسانی عمومی در مواجهه با اعتیاد کم‌اثر هستند.

گزینه دیگر پیش‌روی متولیان امور، تنظیم‌گری رسانه‌های اجتماعی است. افزایش محدودیت سنی برای کاربران شبکه‌های اجتماعی و مجازات شرکت‌هایی که محدودیت‌های یاد شده را اجرا نمی‌کنند، از جمله مقرراتی است که می‌تواند در کاهش مخاطرات نقشی مؤثر ایفا کند.

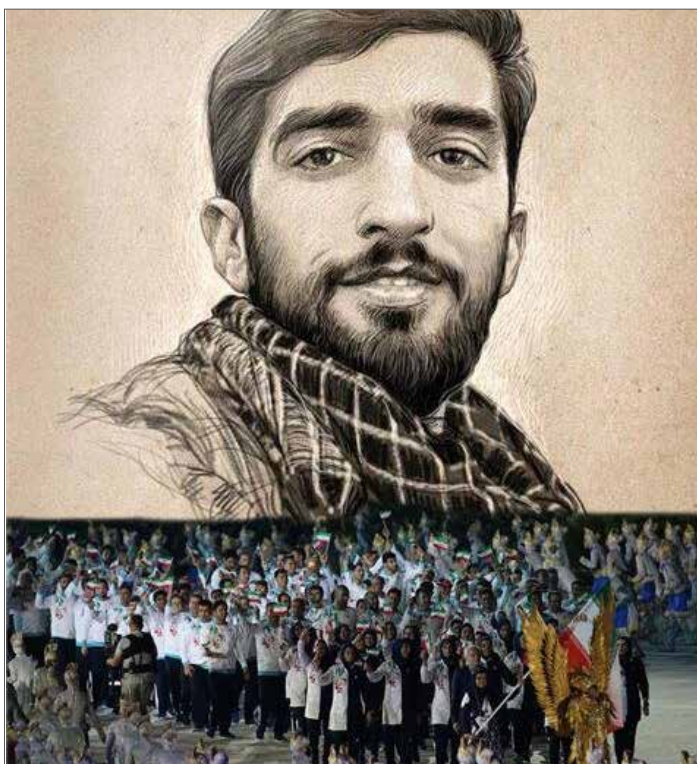
(زاویه)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول محمد جواد آهویی	
زیر نظر شورای سردبیری	
دبیران گروه ها امین دبیا	مدیر هنری محمود محمودی
عکس طه آهویی	صفحه آرا سارا صدر
ویراستار مرضیه کاشفی	حروفچینی و تصحیح نرگس نایب زاده
روابط عمومی جهانگیر توسلی	تحریریه ۰۲۱۸۶۰۵۲۰۸
چاپ صمیم	
نشانی بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵	



شبکه های اجتماعی؛ دشمن سلامت روان کودکان	سوره اقلین روایتی متفاوت از روزهای انقلاب
نقطه آغاز فروپاشی سلامت روان جوانان سال ۲۰۱۰ و همزمان با فراگیری گوشی های هوشمند است. تئوری تأثیر مخرب حضور در رسانه های اجتماعی و استفاده از اقلام دیجیتال ...	انقلاب اسلامی به واسطه مبانی اسلامی، رهبریت مرجع دینی و ارزش ها و آرمان های بلند انسانی، واقعه ای قدسی است ...
۷	۱

نام گذاری کاروان ورزش ایران در بازی های آسیایی به نام «شهید حججی»



پانزدهمین نشست هیات اجرایی کمیته ملی المپیک صبح امروز با ریاست محمود خسروی وفا رئیس کمیته برگزار شد که نظر به گرامیداشت مقام شامخ شهدای انقلاب اسلامی بخصوص شهدای مدافع حرم و شهید بزرگوار محسن حججی، کاروان اعزامی جمهوری اسلامی ایران به نوزدهمین دوره بازیهای آسیایی هانگژو به عنوان کاروان «شهید حججی» نامگذاری شد. همچنین در نشست امروز هیات اجرایی حمید سلامی مدیر تشریفات کمیته به ارائه دستورالعمل چگونگی استقبال از ورزشکاران اعزامی به رویدادهای المپیک، جهانی و آسیایی پرداخت که اعضای هیات اجرایی نیز به ارائه نقطه نظرات خود پرداخته و در خاتمه مقرر شد پس از اصلاحات نهایی، دستورالعمل فوق جهت تصویب مجدداً در هیات اجرایی مطرح گردد. نام گذاری کاروان ورزش ایران در بازی های آسیایی به نام «شهید حججی»

نوزدهمین دوره بازیهای آسیایی ۲۰۲۲ اول تا شانزدهم مهرماه سال ۱۴۰۲ به میزبانی هانگژو چین برگزار خواهد شد. شهید محسن حججی از شهدای گرانقدر مدافع حرم مرداد ماه سال ۱۳۹۶ در کشور سوریه به شهادت رسید.

دوچرخه سوار ایرانی در تور اسپانیا بیست و سوم شد



به نقل از روابط عمومی فدراسیون دوچرخه سواری، امروز آخرین مرحله تور سه مرحله ای اسپانیا با حضور ۸۵ رکابزن برگزار شد و ماندانا دهقان لژیونر ایرانی حاضر در این رویداد نتیجه قابل قبولی کسب کرد. ماندانا دهقان نماینده کشورمان و باشگاه BTC توانست با عملکردی قابل قبول در مجموع سه مرحله به مقام بیست و سومی دست یابد.

صعود تیم ملی هندبال ساحلی به مرحله نیمه نهایی قهرمانی آسیا



تیم ملی هندبال ساحلی ایران ظهر دیروز سه شنبه ۲۴ اسفندماه در سومین دیدار خود در رقابت های قهرمانی آسیا مقابل فیلیپین به میدان رفت و با کسب پیروزی ۲ بر صفر مقابل این تیم حضور خود در مرحله نیمه نهایی مسابقات قهرمانی آسیا را قطعی کرد. ملی پوشان هندبال ساحلی ایران در گیم نخست این دیدار موفق شدند ۲۱ بر ۲۰ به پیروزی دست یابند و در گیم دوم نیز با ارائه یک نمایش زیباتر موفق به کسب پیروزی ۲۷ بر ۱۶ مقابل حریف شدند تا در نهایت این دیدار ۲ بر صفر به سود تیم ملی هندبال ساحلی ایران به پایان برسد. شاگردان قشقایی راد که جوان ترین تیم این دوره از مسابقات قهرمانی آسیا را با میانگین سنی ۱۸ و ۶ دهم تشکیل می دهند در آخرین دیدار مرحله گروهی چهارشنبه ۲۴ اسفندماه از ساعت ۱۲ ظهر به وقت ایران به مصاف قطر پرافتخارترین تیم هندبال ساحلی آسیا خواهند رفت. دیدار فینال و رده بندی رقابت های هندبال ساحلی قهرمانی آسیا روز ۲۸ اسفندماه برگزار خواهد شد. گروه بندی مسابقات هندبال ساحلی قهرمانی آسیا به شرح زیر است: نهمین دوره مسابقات هندبال ساحلی قهرمانی آسیا تا ۱۹ مارس (۲۸ اسفند) به میزبانی بالی اندونزی برگزار می شود.

نباید از بودجه بیت المال برای استراماچونی خرج کنند

یک میلیارد از پول استراماچونی مشکل رشته های مدال آور را حل می کند



سهرابیان تصریح کردند دولت محبت کند همانطور که پول استراماچونی را می دهد به همان اندازه هم به فدراسیون های مدال آور که دچار مشکلات زیادی هستند کمک کند. به دلیل اینکه مردمی هستیم که مشکلات اقتصادی جامعه را درک می کنیم، اما باز خم به آبرو نمی آوریم. ما هم شایستگی این را داریم که پول به ما تزریق شود نه اینکه به یک باشگاه پول هنگفتی برای تسویه حساب با مربی اش بدهند که برای آن ها مشکلی پیش نیاید. اگر نمی توانستند پس چرا واقعا او را آوردند و اگر هم نشد پس چرا اجازه دادند که برود؟ من هم می توانم بروم و یک مربی خوب آلمانی بیاورم و با وی قرارداد یک میلیون دلاری ببندم آیا این درست است؟

کنند و از پول بیت المال خرج فوتبال شود. می پذیرم فوتبال رشته جذابی است و علاقه مندان زیادی هم دارد، اما نباید از بودجه بیت المال برای آن خرج کنند. به همان اندازه که برای آن هزینه می کنند از آن هم انتظار داشته باشند تا نتیجه بگیرد. اگر این پول را برای ورزشکاران ایرانی خرج می کردند من هیچ انتقادی نداشتم، اما اکنون برای مربی که اجنبی است خود باشگاه استقلال باید این پول را بدهند.

■ **باید تلاش کنیم، بجنگیم و حرص بخوریم آن وقت با استراماچونی قراردادی منعقد کنند و بدون نتیجه خاصی هم از ایران برود**
رئیس فدراسیون قایقرانی افزود: فوتبال جذابیت دارد و علاقه مندانش هم بیشمار است، اما سوال من این است که آیا این پول حلال است؟ خود من به نوعی نیازمند مبلغی در حدود ۳ یا ۴ میلیارد تومان هستم آن وقت باید به استراماچونی بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان پول بدهند؟ اگر یک میلیارد از این پول را به من تخصیص بدهند خیلی از مشکلات ما و خیلی دیگر از رشته های مدال آور حل می شود. ما باید تلاش کنیم، بجنگیم و حرص بخوریم آن وقت با استراماچونی قراردادی منعقد می کنند و بدون نتیجه خاصی هم از ایران می رود. معنقدم باید این پول تامین معاش ورزشکاران مدال آور شود نه خرج مربی که با این پول می خواهد به زندگی خود بپردازد و واقعاً از نظر من این پول حلال نیست.

شرایط سخت همیشه سربلند بیرون بیایند. در چهار سال پیش قول آبروداری ورزش ایران از جانب فدراسیون قایقرانی در بازی های آسیایی دادم اگر کمک کنند با قدرت بیشتری این کار را پیش می بریم و اگر هم کمک نکنند زیر حرفم نمی زنم و سعی می کنیم بهترین اتفاقات را برای فدراسیون قایقرانی رقم بزنیم. انتظار ما از وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک نیست بلکه انتظار ما از کسانی است که به باشگاه های فوتبال کمک می کنند و همان اشخاص هم به ما کمک کنند.

■ **یک مدیر باید با داشته هایش برنامه ریزی کند**
سهرابیان با اشاره به اینکه به آن ها از تیصره مجلس پول زیادی تعلق نگرفته است، گفت: به ما هم متأسفانه پول زیادی تعلق نگرفته هر چند که حامیان اصلی ما یعنی وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک تا حد ممکن هوای ما را دارند. البته از این شرایط چندان راضی نیستیم اما یک مدیر باید با داشته هایش برنامه ریزی کند، ما هم برنامه ریزی می کنیم تا از جاهای دیگر برای فدراسیون پول بیاوریم. جزو معدود فدراسیون هایی هستیم که هنوز اردوهایمان قطع نشده است و از این بابت احساس خوشحالی می کنیم.

■ **نباید از بودجه بیت المال برای استراماچونی خرج کنند**
وی با انتقاد از مسئولان دولت برای کمک به باشگاه استقلال برای پرداخت بدهی استراماچونی اظهار داشت: چندان قشنگ نیست که قراردادی با یک مربی خارجی منعقد

رئیس فدراسیون قایقرانی گفت: یک میلیارد از پول استراماچونی مشکل رشته های مدال آور را حل می کند. به گزارش شفقنا، علیرضا سهرابیان مقدم در گفت و گو با آنا، درباره شرایط این روزهای فدراسیون قایقرانی اظهار داشت: خدا را شکر همه چیز عالی است، زیرا اگر اینطور نباشد در آن صورت این نشان دهنده ضعف من و همکارانم در فدراسیون است و سعی هم می کنیم تا بتوانیم به بچه ها که در اردو هستند ماهانه که ۷۴ قایقران هستند پول تو جیبی بدهیم. فکر می کنم جزو معدود رشته هایی باشیم که هنوز اردوهایمان قطع نشده و ادامه دارد.

وی افزود: بچه ها خودشان را برای حضور در مسابقات جوانان آسیا در ازبکستان مهیا می کنند و مطمئن هستم که بهترین نتیجه را می گیرند. امیدوارم برای نخستین بار تابو شکنی کنیم و در مسابقات جهانی کسب سهمیه المپیک داشته باشیم.

■ **به بچه هایم ایمان دارم که می توانند در شرایط سخت همیشه سربلند بیرون بیایند**
رئیس فدراسیون با اشاره به اینکه قایقرانان به او قول کسب سهمیه المپیک داده اند، گفت: رسیدن به کسب سهمیه المپیک اتفاق سختی نیست و بچه ها به من قول داده اند و من هم به جامعه ورزش قول داده ام که می توانیم از دل مسابقات جهانی به سهمیه برسیم. من به بچه هایم ایمان دارم که می توانند در